

اکثریت

دوشنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۶۹ برابر ۳ دسامبر ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره ۳۲۹

قطعنامه شورای امنیت علیه عراق

* دولت آمریکا موفق شد شورای امنیت را به موضع موافقت با حل نظامی بحران خلیج فارس بکشانند

شورای امنیت سازمان ملل متحد در جلسه ۲۹ نوامبر خود یازدهمین قطعنامه این شورا علیه عراق را تصویب کرد. بموجب این قطعنامه در صورتی که عراق تا تاریخ ۱۵ ژانویه خاک کویت را تخلیه و گروگان های غریبی را آزاد نکند استفاده از همه وسایل مجاز خواهد بود. (استفاده از همه وسائل) بیان حقوقی مجاز شمرده شده است. نظامی به عراق است. در شرایطی که کشاکشی حاد بر سر نحوه حل مساله اشغال کویت توسط رژیم عراق در جریان است و نیروهای وسیعی در جهان می کوشند که بر تمایلات سلطه جویانه و جنگ افزورانه دولت بوش مبنی بر حل نظامی بحران فلبه کنند، یازدهمین قطعنامه شورای امنیت و دادن اولتیماتوم به دولت عراق، گامی در جهت تقویت مواضع نیروهای خواهان به زانو در آوردن عراق از طریق نظامی محسوب شده و امکانات رفع تجاوز از طریق مسالمت آمیز را تخفیف می دهد. شک نیست دولت آمریکا با داشتن مجوز از جامعه بین الملل قاطعانه تر در جهت اهداف برتری طلبانه خود گام بر خواهد داشت. اشغال نظامی کویت توسط عراق که بلافاصله با واکنش شدید جهانیان و دولت ها مواجه شد و بعنوان نمود تقابلی آشکار با روند ایجاد نظم بین المللی نوینی که در آن اعمال زور و استفاده از قدرت نظامی می بایست به فراموشی سپرده شود، مورد نگرانی قرار گرفته شدیداً محکوم شد. پیوستن تقریباً همه کشورهای جهان به قرار محاصره اقتصادی عراق و اعمال فشار اقتصادی و سیاسی بر این کشور با امید به موثر بودن این طریق و جهت مقابله با ایجاد یک فاجعه جنگی صورت پذیرفت. در اقتصاد بهم پیوسته و درهم تنیده جهانی، محاصره کامل اقتصادی کشور عراق که تقریباً همه کشورهای عضو سازمان ملل به آن پیوسته اند، در جهان کنونی ما، آن حربه ای است که دیر یازود دولت عراق را به زانو در آورده و به ترک کویت و پای میز مذاکره خواهد کشاند. تاکید محافلی در دولت های غریبی و بویژه گرایش نیرومندی در دولت آمریکا بقیه در صحنه ۳

واکنش خشمگین رژیم نسبت به گزارش گالیندویل

* رفسنجان: سروصدای اخیر در مورد نقض حقوق بشر در ایران به خاطر مخالفت با لشکر کشی به منطقه است!

زندانیان سیاسی در ایران دیدار کند. گزارش گالیندویل هلیرفم جنبه های منفی آن، از جمله ادامه سکوت در مورد فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی در سال ۶۷، سند محکومیت رژیم اسلامی است و به همین جهت خشم سران رژیم را برانگیخته است. این گزارش تلاشهای دولت رفسنجان در جهت ارایه چهره ای قابل قبول و میانه رو از رژیم اسلامی در جهان را نقش بر آب کرده است و نشان می دهد آنچه در ایران حاکم است کماکان نقض وحشیانه حقوق بشر، سرکوب، شکنجه و اعدام مخالفان سیاسی و عقیدتی رژیم است.

این گزارش هلیرفم سانسور و خفکان شدید، در کشور ما نیز بازتاب گسترده ای یافته است و بر خوردهای شتابزده سران رژیم در جهت انکار حقایق مندرج در آن

انتشار دومین گزارش رینالدو گالیندویل با زرس و یژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با واکنش گسترده ای روبرو شده است. این گزارش با صراحت بیشتری نسبت به گزارش اول او پایمال کردن وحشیانه حقوق بشر در ایران، اعدامهای گسترده، شکنجه و بدرفتاری با زندانیان سیاسی، نقض گسترده آزادی بیان، سانسور و فشار بر روزنامه های غیر وابسته و فعالیتهای هنری و ایجاد جو اهراب بو ترس در میان مردم را مورد تایید قرار داده است. گزارش گالیندویل حاکی از آن است که رژیم تقاضای بازرس ویژه در مورد تایید قرار داده است. گزارش گالیندویل حاکی از آن است که رژیم تقاضای بازرس ویژه در مورد ملاقات با تعدادی از زندانیان سیاسی را برد کرده و به او اجازه نداده است که آزادانه با

را برانگیخته است. بدنبال اطلاعات وزارت خارجه رژیم در مورد موارد مکرر نقض حقوق بشر مندرج در گزارش بازرس ویژه، خامنه ای و رفسنجان نیز بطور جداگانه کوشیدند اثرات گسترده این گزارش را خنثی کنند. هاشمی رفسنجان بخشی از خطبه های نماز جمعه هفته گذشته خود را به مسئله حقوق بشر اختصاص داد، اما او در این زمینه چیزی برای گفتن نداشت و بناچار در دفاع از حکومت سرکوبگر خود به سخنرانی در باره نقض حقوق بشر در فلسطین و کشورهای دیگر پرداخت، گویا که نقض حقوق بشر

توسط دولت اسرائیل، توجیهی بر جنایات رژیم حاکم بر ایران است. رفسنجان در نماز جمعه مدعی شد که سرکوب حقوق بشر در ایران ادعای دروغین استیکار جهانی است، و گفت به گفته دو نفر از منابع غربی هلت "سرو

صدای" اخیر در مورد نقض حقوق بشر در ایران، مخالفت جمهوری اسلامی با لشکر کشی به خلیج فارس است! رژیم جمهوری اسلامی که تاپیش از این تلاش بسیاری کرده بود تا بازرس ویژه را به تعیه گزارش قابل قبولی برای سران رژیم راضی سازد، اکنون بار دیگر مجبور به استفاده از حربه قدیمی خود شده و سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر وابسته بدان را عامل استیکار جهانی معرفی می کند تا بدین طریق گزارش اخیر بازرس ویژه را بی اعتبار اعلام دارد. اما واقعیت آن است که این گزارش تنها گوشه هایی از سرکوب خشن حقوق انسانها در جامعه ایران و سرکوب بیرحمته احزاب و سازمانهای سیاسی را منعکس کرده است. آنچه که در کشور ما می گذرد بسیار وحشیانه تر و ضد انسانی تر از آن است که در گزارش آقای گالیندویل منتشر شده است.

تلاش سران جناح ها برای مهار درگیریها

خودی به شدت ادامه یافته است. خبرهایی از درگیری های خیابانی، از جمله در ترکمن صحرا بین هواداران دو جناح منتشر شده است. تلاش های آشتی جویانه، مورد مخالفت افراطیون هر دو جناح قرار دارد. در این میان مهدی کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی که طی هفته های اخیر مواضع متزلزل و سازشکارانه ای نسبت به هاشمی رفسنجان و خامنه ای بروز داده، بیش از بیش مورد خشم و انتقاد هم فکرا از خود قرار می گیرد، بسیاری از مردم، حتی هواداران جناح خط امامی این مواضع کروی را ناشی از ترس او مبنی بر برملا شدن فسادهای مالی و اخلاقی وی می دانند.

مراحل غیر قابل کنترل و کوشش جهت مهار آنها است. طی هفته های اخیر افشاگری نمایندگان طرفین با شدت تمام ادامه یافته است. هواداران جناح تندرو در مجلس لبه تیز حملات خود را متوجه سیاست های اقتصادی رژیم ساختند. آنها طی بیانیه ای به مناسبت هفته بسیج ناراضیتی خود را از سیاست های حاکم اعلام کردند. طی مصوبه ای ۱/۴ بودجه رادیو و تلویزیون را که تحت کنترل محمد هاشمی برادر رفسنجان است کاهش دادند. در سطوح وزارتخانه ها و ادارات محلی تلاش دو طرف برای بیرون راندن هواداران جناح مخالف از مسئولیت ها و فصب این مسئولیت ها توسط نیروهای

رفسنجانی اعلام کرد که مجلس آماده همکاری با دولت است. وی ضمن ابراز تاسف از برخوردهای شدید بین هواداران دو جناح گفت: تنگ نظری ها در برخوردهای اخیر به وحدت و انقلاب ضربه میزند و باید از آن ممانعت کرد. هاشمی رفسنجان نیز متقابلاً از کروی به عنوان چهره ای مبارز نام برد و خاطر نشان ساخت که همه ما باید برای شکوفا شدن اقتصاد تلاش کنیم و من بعنوان رئیس جمهور قول می دهم برای رفع تنگناهای اقتصادی تلاش نمایم. وی هر دو جناح را به حفظ وحدت و سازندگی فراخواند. برگزاری این مجلس آشتی کنان ناشی از وحشت سران رژیم در کشیده شدن درگیری های جناح های رقیب به

هلیرفم تلاش برای آتش بس، درگیری بین دستجات مختلف حکومتی طی هفته های اخیر ادامه یافته است. سران جناح های متخاصم رژیم اسلامی پس از کشاکش های شدید بر سر انتخابات مجلس خبرگان که به پرده دری های بیسابقه و درگیری های خیابانی منجر شد، هفته گذشته جلسه آشتی کنان تشکیل دادند. در اجتهایی که چهارشنبه گذشته در کاخ ریاست جمهوری برگزار شد، اعضای هیئت دولت و گروه بزرگی از نمایندگان مجلس حضور یافتند و کسانی که تا چندی پیش آشکارا به یکدیگر حمله می کردند، به تعریف و تمجید از هم پرداختند، کروی رئیس مجلس ضمن تقدیر از تلاش های

گرانی روز افزون از هم اکنون افزایش ناچیز حقوقها را می بلعد

بزرگ جمهوری اسلامی به مردم معرخی می شود، بهیچ روی قادر نیست مشکلات بی شمار زندگی مردم و بویژه کارمندان دولت را حتی کاهش دهد. در حالیکه بنا به آمارهای ارایه شده از سوی نمایندگان مجلس تورم طی سالهای حکومت اسلامی به بیش از ۱۶۰۰ درصد رسیده است، و بسیاری از کارمندان دولت مجبورند حقوق رسمی خود را یکجا به صاحب خانه تحویل دهند. افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصد به حقوق کارمندان دولت قطعاً نخواهد توانست مشکل کمر شکن کاهش روز افزون قدرت خرید مردم را حل کند. و تعادلی بین درآمدها و هزینه ها ایجاد نماید. هاشمی رفسنجان ضمن توجه به این واقعیت در نماز جمعه هفته گذشته ایجاد تعادل بین درآمد و نیازهای معیشتی را مثل هر موضوع دیگری به پایان برنامه ۵ ساله خود موعول کرد و مردم را دست کم برای چند سال دیگر به صبر و تحمل دعوت کرد. بقیه در صحنه ۲

گرانی روز افزون از هم اکنون افزایش ناچیز حقوق ها را می بلعد. رژیم جمهوری اسلامی هفته گذشته در پی نارضایتی روز افزون مردم ناچار شد حقوق کارکنان دولت را افزایش دهد. تبلیغات رژیم حول افزایش حقوق و دستمزد کارکنان دولت، هفته گذشته داغ ترین موضوع بحث در روزنامه ها، رادیو و تلویزیون و مردم بود. تبلیغات چنان پر دامنه و با هیاهو صورت گرفته است که خود واقعیت افزایش حقوق ها را تحت الشعاع قرار داده است. مطابق مصوبه مجلس به حقوق و دستمزد کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری ۲۰ هزار ریال و به حقوق کارکنان بازنشسته و مستمری بگیران مبلغ ۱۰ هزار ریال افزوده خواهد شد. این افزایش حقوق تنها کارکنان رسمی دولت را شامل خواهد شد و کارکنان پیمانی و قراردادی را در بر نخواهد گرفت. افزایش این مقدار در واقع ناچیز حقوق و دستمزدهای بخشی از کارکنان دولت که با بوق و کرنا به عنوان هدیه



بسیاری از این مسافران می توانستند با تاکسی رفت و آمد کنند اما اکنون که نرخ کرایه تاکسی گران شده از روی ناچاری روبرو اتوبوس آورده اند. باید از مسئولان خدمات شهری پرسید در این شرایط شرکت واحد چقدر به امکانات خود افزوده است؟ کیان ۲۹ بان

انتظار تاکسی؟

اینجا ترمینال میدان امام خمینی است. زمانی است که ادارات تعطیل شده و کارمندان می خواهند به خانه برگردند، اما از ظواهر امر پیداست که به این زودیها از اتوبوس خبری نخواهد بود.

مصاحبه با حسن شریعتمداری عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران

(بخش دوم)

دمکرات چه موضعی خواهد گرفت؟ آیا مانند هر نیروی دمکراتی به این رای اکثریت مردم ایران تمکین میکند، یا اینکه بر بدست آوردن حداکثر خواسته‌ها یا می‌فشرد؟ در تماس‌های اخیر ما فهمیدیم که تفاهم بیشتری میان ما و این حزب وجود دارد و حزب دمکرات خود را جز نیروهایی میدانند که در یک حکومت ملی به خواسته‌های اکثریت مردم در هر حدی که باشد، احترام می‌گذارد. فرمولبندی که در برنامه سیاسی ما آمده دقیقاً از همین فکر و اندیشه نشأت می‌گیرد. در بین ما ماهدای مستند مثل من که به فدرالیسم معتقدند و ماهدای هم هستند که به عدم تمرکز سیاسی معتقدند، ولی در بین ما این تفاهم هست که به هر صورت چنین حقی صرفاً به قوم خاصی تعلق نمی‌گیرد. این مسئله پیچیده‌ای است که باید با ریزنی و پیشنهادات گروه‌های مختلف سیاسی گشوده شود. یک شعار، چه خودمختاری چه خودگردانی و چه عدم تمرکز سیاسی هیچ دردی را دوا نمی‌کند. مادام که مسئله فدرالیسم را در ارتباط تنگاتنگ با مسئله دموکراسی به بحث درون اپوزیسیون نگذاریم و برنامه سیاسی معینی برای آن تنظیم نشود، فرمولبندی ما و چه فرمولبندی حزب دمکرات پاسخگوی نیاز جدی سیاسی مردم نیست. بعنوان مثال ما هم توقعمان از حزب دمکرات اینست که هنگام طرح شعار "دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" باید در جریان تلاش‌ها و مذاکراتش با نیروهای سیاسی مختلف و از جمله با رژیم همواره بر روی امکان آزادی انتخابات، آزادی احزاب و مطبوعات پافشاری کند، درست همان اندازه که بر روی خواستهای منطقه‌ای پافشاری میکند. و گرنه این شعار به صورت یک شعار بی محتوا خواهد بود. بهر صورت ما معتقدیم که شعار مبهم و بسیار سوتاهم انگیز خود مختاری باید در جریان مباحث همیق و گسترده میان نیروهای اپوزیسیون به یک برنامه با مرز و چارچوب مشخصی و مورد توافق همه نیروهای دمکرات تبدیل شود.

آنچه که اکنون مسلم و روشن است آن دیدگاهی که مشروعیت حق خود مختاری را ناشی از ستم مضاهف می‌دانست، زمینه فکری خود را در میان بخش ماهدای از نیروهای اپوزیسیون از دست داده است. ما عدم تمرکز سیاسی را بعنوان تضمین دموکراسی و سلامت جامعه میدانیم، حال مراسمی که بر آن گذاشته شود مهم نیست. در یک حکومت دموکرات که اکثریت مردم در آن شرکت داشته باشند، برای ما علامتی از ستم مضاهف قابل لمس نیست. اگر مشکلات فرهنگی بین اقوام ایرانی وجود دارد، راه حلش بیشتر تبلیغ یک فرهنگ سالم ملی است، ولی ما توسل به زور و اسلحه برای گرفتن یک

پرسش: مواضع و دیدگاه شما در مورد سازمان مجاهدین خلق چگونه است و چه مسائل و مشکلاتی مانع اتحاد عمل شما و این سازمان میشوند؟

پاسخ: از سازمان مجاهدین به سبب رواج شیوه فرمانروایی از بالا و چفت و بستهای محکم سازمانی خبری در مورد گرایش‌های دموکراتیک درون آن به بیرون درز نمی‌کند. و ما بهیچوجه نمیدانیم که اصولاً چنین گرایشی حداقل بعنوان جوانه‌های ابتدایی در افراد این سازمان وجود دارد یا نه. در واقع در سازمانهایی که خواندن کتاب و بحث و گفتگو باید با اجازه رهبری صورت گیرد، طبیعی است که امکان اطلاع ما هم از وضعیت آن بسیار اندک است. ولی اگر زمانی مجاهدین مانند همه طیف‌های چپ تبدیل به نیرویی با خواسته‌های دموکراتیک یا در جهت تحولاتی برای دمکراتیزه سازمان خودشان بشوند، پس از برخورد با گذشته سیاسی و انتقاد صادقانه از اعمال قبلی اشان و از رهبری اشان هیچ مانعی برای پذیرش آنها به جمع اپوزیسیون دمکرات ایران نیست. ولی در وضع فعلی ما هیچ امکانی برای همکاری سیاسی میان نیروهای دموکرات و معتقدین به دیکتاتوری نمی‌بینیم.

پرسش: حزب دمکرات کردستان که از نظر شما هم یکی از نیروهای مهم اپوزیسیون دمکرات به شمار می‌رود، شعار "دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" را مطرح میکند. سازمانهای چپ و دمکرات اپوزیسیون هم این خواسته حزب دمکرات را به این یا آن شکل در برنامه و کارپایه سیاسی خود گنجانده‌اند. اما جمهوریخواهان ظاهراً با شعار خودمختاری و مفهوم نهفته در آن چندان تفاهمی ندارند و بجای آن از عدم تمرکز قدرت و برپایی بنیادهای منطقه‌ای برای شرکت مردم در تصمیم‌گیری و اداره امور محلی و منطقه‌ای صحبت میکنند. انتقاد و عدم تفاهم شما نسبت به مقوله خود مختاری چه دلایلی دارد؟

پاسخ: ما از ابتدا روابط حسنه ای با حزب دمکرات داشته ایم. ولی در مورد مسئله خودمختاری دو دید متفاوت وجود داشت که بیشتر هم به ما بر نمیگشت. تا آنجایی که من میدانم دید سیاسی حزب دمکرات به میزان زیادی تکامل یافته است. در مورد خواسته‌های سیاسی این حزب ابتدا این ابهام برای ما وجود داشت که حزب دمکرات خود مختاری را بعنوان یک حق ویژه می‌خواهد، یا برای همه اقوام ایران مد نظر دارد؟ و برای ما مطرح بود که این حق را از کی می‌خواهد، از یک دولت دیکتاتور می‌خواهد و یا اگر یک دولت دمکرات و یا یک مجلس موسسان منتخب مردم درجاتی از خودمختاری یا عدم تمرکز سیاسی را بپذیرند، حزب

جریان به ارتباطات و اطلاعات ارگانیک تر منوط است. بهر حال وجود مبارزه عملی نهضت آزادی و سایر نیروهای ملی در داخل ایران کمک مهمی در راه پیشرفت امر مبارزه است.

پرسش: بدر نشریه شما گفته میشود که دموکراسی در ایران بدون پیوند با عدالت اجتماعی نمیتواند پایدار بماند. مولفه‌ها و شاخصهای عدالت اجتماعی مورد نظر شما چیست؟

پاسخ: ما بجای عدالت اجتماعی، معمولاً از دولت رفاه اجتماعی اسم می‌بریم، زیرا عدالت اجتماعی برای ما یک لفظ گنگی است. عدالت اجتماعی اگر صرفاً تقسیم فقر موجود بین مردم باشد، که بهیچوجه کار هالاقانه‌ای نیست. وظیفه یک دولت مدرن در ایران ایجاد رفاه و تقسیم هر چه عادلانه‌تر این رفاه در جامعه است. مولفه‌های این کار اولاً صرفاً عدم تمرکز سیاسی، ثانیاً داشتن یک دولت اجتماعی، دولتی با خواسته‌های رفاهی و قدرت و مدیریت تولید ثروت برای اکثریت مردم است.

پرسش: اصطلاح "عدالت اجتماعی" در نشریه شما زیاد به کار رفته میشود، ولی صرف نظر از آن میتوان پرسید که منظورتان از رفاه چیست؟ مثلاً باید در ارتباط به این رفاه اشکال معقول اقتصادی، کم و کیف تامین‌های اجتماعی و...

پاسخ: ما به اقتصاد بازار آزاد معتقدیم و در کنار آن به بالا رفتن تولید ملی، درآمد ملی و تقسیم هر چه عادلانه‌تر درآمد

سرانه در میان مردم باور داریم. برای ما یک دولت دمکرات دولتی است که برای اکثریت مردم بیمه، بیمه بهداشتی، بیمه بازنشستگی، بیمه کار، امکانات تعلیم و تربیت و امکانات رفاهی مختلف را تامین کرده و از حمایت بخش خاصی از مردم بدون دلیل بپرهیزد. تولید را حمایت کند و بالا رفتن درآمد ملی را. اما حمایت از تولید، حمایت از سرمایه دار نیست. ممکن است از ملزومات حمایت از تولید بوجود آمدن قطبهای سرمایه داری هم باشد. ولی یک دولت ملی هیچگاه هدف خود را تقویت بخش خصوصی از مردم نمی‌گذارد، بلکه به تقویت آن برنامه اقتصادی می‌پردازد که به افزایش رفاه عامه مردم کمک کند. حال اگر در چنین چارچوبی بخشی از مردم با استفاده از وسایل سالم دمکراتیک از درآمد سرانه ملی، بخش بیشتری را نصیب خودشان کنند، این از معضلات دموکراسی است که راه حلی برای آن وجود ندارد. مبارزات صنفی و سندیکایی تا حدودی این مشکل را تعدیل میکند ولی هیچ دولت دمکراتی نمیتواند ادعا کند که درآمد ملی را دقیقاً بر اساس لیاقت‌ها و کارایی‌های مردم در میان آنها تقسیم کند. ولی باید تلاش در این راستا باشد. یعنی باید تاجایی که به روند رفاه، روند تولید و اثبات سرمایه و کار لطمه جدی وارد نشود، در تعدیل فاصله طبقاتی بکوشد.

برای تعدیل فاصله طبقاتی و تامین رفاه عمومی دخالت دولت مردمی در اموری همچون تنظیم نرخ بهره، سیاست‌های پولی و

مالی، وضع مالیاتهای تصاعدی و قوانین گمرکی و سوبسیدها و... را مجاز میدانید؟ و آیا در اقتصاد مورد نظر شما بخش دولتی و بخش تعاونی هم جایی برای فعالیت دارند؟

پاسخ: سیاست گذاری مالی بخشی از برنامه مدیریت تولید و توزیع ثروت دولت رفاه اجتماعی است. تنظیم نرخ بهره، سیاستهای پولی، وضع مالیاتهای گوناگون با تعرفه‌های متفاوت و... همه و همه بخشی از برنامه چنین دولتی است ولی تضمین همه اینها وجود احزاب آزاد و اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی فیر وابسته و مطبوعات منتقد است. رسانه‌های گروهی رل بسیار مهمی را در تنظیم روابط دولت و مردم بازی می‌کنند. در ایران بخش دولتی از طریق انحصار استخراج و فروش نفت دخالت قاطعی در اقتصاد تک پایه‌ها دارد و بنظر من همه مساله یک دموکراسی مطالعه راههایی برای کاهش این نفوذ و دخالت است و نه افزایش آن. در اشکال تعاونی و همه‌اشکال صنفی و تخصصی و فیرو وابسته به دولت قابل پذیرش است ولی وابستگی به قدرت حکومت هیچ راه حلی بنفع دموکراسی را ارائه نمی‌دهد. در کلین حال همه این مباحث خارج از کلیت خویش دراجزا باید بوسیله کارشناسان و متخصصین اقتصادی مورد تحقیق جامع قرار گیرد و احکام جزئی در مورد این یا آن روش اقتصادی در شان نیروهای دموکرات جامعه که بیش از هر چیز معتقد به تخصص و راه‌حلهای عملی هستند نمی‌باشد.

دستگیری گروهی از اعضای حزب دموکرات ایران

وزارت اطلاعات رژیم اعلام کرد یک گروه از اعضای حزب دموکرات ایران را در شهرستان سمنان دستگیر کرده است. ساواک رژیم ضمن اعلام این خبر اتهامات فراوانی را به دستگیرشدگان وارد کرده است.

پاسداران و مامورین امنیتی رژیم جمهوری اسلامی در تلاش دایم خود برای سرکوب مخالفین و جلوگیری از گسترش فعالیت نیروهای آزادیخواه اکثر اقدامات جنایتکارانه خود را در خفا انجام می‌دهند و تنها مراکزگاهی گوشه‌هایی از موارد پیگرد و دستگیری مخالفین را آشکار می‌سازند. انتشار خبر دستگیری افراد حزب دموکرات کردستان ایران این نگرانی را بوجود آورده است که رژیم جمهوری اسلامی در تدارک اقدامهای جدیدی در کردستان و سایر نقاط ایران باشد.

دستگیری کردهای مبارز ایرانی در شرایطی صورت گرفته و اعلام شده است که گزارش بازرس ویژه سازمان ملل متحد در مورد نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی، در جهان بازتاب گسترده‌ای یافته است. اعلام خبر دستگیری اعضای حزب دموکرات در این شرایط را باید به‌شابه پاسخی از سوی رژیم به این گزارش و هم‌زمان آن در ادامه سرکوب مخالفین قلمداد کرد.

نیروهای سیاسی ایرانی مخالف جمهوری اسلامی که چندی پیش در برابر دستگیری گروهی از آزادیخواهان معترض به رژیم واکنش گسترده‌ای نشان دادند، نباید نسبت به سرکوبگری رژیم و دستگیری مخالفین در هیچ گوشه ایران بی‌توجه بمانند. کوشش هوافریانه رژیم برای اثبات نادرستی گزارش نقض حقوق بشر در ایران و تلاشهای آن برای ارائه چهره‌ای مطلوب از خود در نزد جهانیان نشانگر آن است، که افشای وسیع هر جنایت رژیم در محدود ساختن تاخت و تاز جنایتکاران حاکم بر ایران نسبت به مخالفین و احزاب سیاسی ضرر رژیم بی‌تاثیر نخواهد بود.

تبادل میان درآمدها و هزینه‌ها باید حقوق‌ها متناسب با نرخ تورم افزایش یابد و نه یک بخش از کارمندان دولت بلکه همه حقوق‌بگیران را در برگیرد.

همراه با سیر صعودی قیمت‌ها نارضایتی‌ها نیز افزایش یافته است.

مردم می‌گویند افزایش ناچیز حقوق کارمندان دولت بدون شک نخواهد توانست بار کمر شکن زندگی را در جهنم جمهوری اسلامی از میان بردارد برای ایجاد

گرانی روزافزون از هم‌اکنون افزایش ناچیز حقوق برای بلند

بقیه از صفحه اول

همین مقدار افزایش حقوق نیز می‌توانست در باز کردن دست کارکنان دولت کمک کوچکی باشد، هر گاه با گرانی سریع در جامعه همراه نمی‌شد. اما هم‌زمان با احتمال افزایش حقوق‌های کارمندان دولت، قیمت کالاها با سرعت بیشتر از پیش سیر صعودی خود را دنبال کرد بطوریکه اکنون کارشناسان رژیم نیز از "انفجار قیمت‌ها" سخن می‌گویند. گرانی روزافزون کالاها و خدمات که پس از بخشنامه هاشمی رفسنجانی مبنی بر ممنوع ساختن افزایش نرخ خدمات و کالاهای دولتی نیز ادامه یافته و با افزایش حقوق‌ها شتاب بیشتری گرفته است، پیشاپیش حقوق اضافه شده و هنوز دریافت نشده کارکنان دولت را می‌بلعد.

افزایش انفجاری قیمت‌ها در طول ماه‌های اخیر

در حالیکه رفسنجانی با وقاحتی کم نظیر مدعی شده نرخ رشد تورم را به ۸ درصد رسانده است نارضایتی گسترده‌ای را در مردم بوجود آورده و موجب بروز حرکات اعتراضی بویژه در میان معلمان گردیده است. هاشمی رفسنجانی با صدور بخشنامه خود کوشید موج روبه افزایش نارضایتی‌ها را مهار کند و مردم را به بهبود شرایط معیشتی خود امیدوار سازد. اما این تلاش، تلاش بی‌فایده‌ای بوده است و پس از آن قضاوت دقیق تر درباره این

قطعنامه شورای امنیت علیه عراق



بقیه از صفحه اول

سرطریق نظامی رفع تجاوز، پیروی و تلاش برای تثبیت همان منطق است که بسیاری دولت ها و نیروهای پیشرو جهان می گویند آن را از صحنه روابط بین المللی حذف کنند و آن حامل زور است. آمریکا قلدر منشی صدام حسین را بانه قرار داده است تا با قلدر منشی نظم مورد نظر خود را بر روابط بین المللی حاکم کند. در شرایطی که نظم و جهان دو قطبی سابق از میان رفته است و دیگر روابط بین المللی تحت تاثیر تقابل اردوگاه های شرق و غرب و پیمان های ناتو و ورشو رقم نمی خورد، آمریکا می گوید در شرایط خلا نظم جانشینی، نظم دلخواه خود را بر جهان دیکته کند.

اما در جهان امروز، جهانی که تنها دو هفته پیش رهبران ۳۴ کشور آن منجمله اعضا پیمان های ناتو و ورشو در کنفرانسی پایان جنگ سرد را اعلام کردند، دیگر یک تازی و تمایلات قلدر منجمله رهبران آمریکا نمی تواند به راحتی قدرت ظهور داشته باشد. هم از اینروست که طی هفته های گذشته دولت آمریکا تمام مسامی خود را بکار برد تا بتواند اعضا دائمی شورای امنیت را به همراهی با منشی خود بکشد. واقعیتی است که برای نیروهای قدرتمند و موثری در دولت آمریکا خروج ساده نیروهای آمریکایی از منطقه بدون آنکه صدام حسین را که اینگونه گستاخانه پا از گلیم خویش فراتر نهاده و حق انحصاری آمریکا در تجاوز و اشغال کشورهای دیگر را مورد تعرض قرار داده است، و گشمالی داده و همچنان وی را با

این هکس، چهار تن از افراد ذخیره نیروی دریایی آمریکا را نشان می دهد که هفته گذشته در نیورک طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کردند از پیروی از فراخوان دولت ایالات متحده برای پیوستن به نیروهای این کشور در منطقه خلیج فارس خودداری خواهند کرد زیرا نمی خواهند در کشتن سیم باشند. به گزارش یک سازمان صلح طلب

آمریکا، در این کشور تعداد فزاینده ای از نظامیان و افراد ذخیره قصد دارند از دستور اعزام به خاور میانه سرپیچی کنند. این سازمان افزوده است که تاکنون صدها تن از افراد نیروهای مسلح تقاضا کرده اند که به "عمل وجدانی" از اعزام به خاور میانه معاف شوند.

اقتصادی غیر قابل پیش بینی خواهد داشت وجود دارد. نثار خون بخاطر نفت و کشته شده بخاطر باز گرداندن حاکمیت از دست رفته شیوخ کویت هر دم بی معنایی بیشتری برای یک شهروند آمریکایی می یابد و صداهای اعتراضی بلندتری را در آمریکا برمی انگیزد.

اما این نیروها هم در خود آمریکا و هم توسط سایر ملت ها و دولت ها محدود می شوند. در خود آمریکا و در کنگره آن کشور نگرانی هایی جدی بر سر ایجاد یک جنگ که ابعاد خسارات انسانی و مالی و تاثیرات سیاسی و

مسالمت آمیز بحرات تاکید کرده اند. از طرف برخی از آنها، فرصت اعلام شده در قطعنامه اخیر شورای امنیت نیز، بعنوان فرصتی برای تشدید فعالیت های دیپلماتیک و نه به معنای لزوم آغاز جنگ پس از محلت مقرر تبیین شده است.

اما بهر حال آشکار است که قطعنامه مزبور از طرف شورای امنیت امکانات برای حل مسالمت آمیز بحران را کاهش داده و

مواضع مدافعین اقدام نظامی را تقویت کرده است. هر چند این امر را نباید به معنای حتمی الوقوع بودن جنگ دانست اما خود عاملی است که می بایست حساسیت بیش از پیش نیروهای صلح طلب را برانگیزد. انتقاد از مصوبه شورای امنیت به معنای انتقاد از اعضا دائمی شورای امنیت است که از میان آنها تنها نماینده چین به قطعنامه مزبور رای مثبت نداد. رای مثبت اتحاد شوروی چه

متن قطعنامه شورای امنیت

کوتاه شده متنی را که دولت ایالات متحده برای تصویب به اعضای شورای امنیت سازمان ملل به عنوان یازدهمین قطعنامه این شورای امنیت عراق پس از اشغال کویت تسلیم کرد، در زیر می خوانیم. هدف از چنین قطعنامه ای، ایجاد مجوز حقوقی برای حمله نظامی به عراق در صورت عدم تسلیم این کشور به التیما توم پیش بینی شده در این طرح است:

"شورای امنیت،

بایدآوری و تاکید بر قطعنامه های خود...

ضمن خاطر نشان کردن این امر که علیرقم همه تلاش های ملل متحد، عراق از اجرای وظیفه خود در اجرای قطعنامه ۶۶۰ و قطعنامه های پیش و آن که در بالا ذکر شد، بابتی امتناعی باز به شوراسر باز می زند،

با توجه به وظایف و مسئولیت های خود طبق منشور ملل متحد برای برقراری و حفظ صلح بین المللی و امنیت، مصمم به تضمین رعایت کامل همه مصوبات خود، با عمل طبق فصل هفتم منشور ملل متحد،

۱- از عراق می خواهد که بطور کامل از قطعنامه ۶۶۰ (۱۹۹۰) و همه قطعنامه های پیش و آن بطور کامل پیروی کند، تصویب می کند که با حفظ همه تصمیمات خود، به عراق امکان آخری برای عمل به نشانه حسن نیت بدهد؛

۲- به کشورهای عضوی که با دولت کویت همکاری می کنند، اختیار می دهد در صورتی که عراق تا قبل از ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ قطعنامه های قبلی بر شمرده در بند ۱ را کاملاً اجرا نکند، همه وسایل لازم را برای رعایت و اجرای قطعنامه ۶۶۰ شورای امنیت و همه قطعنامه های پیش و آن و احیای صلح بین المللی و امنیت منطقه، بکار گیرند،

۳- از همه دولت ها تقاضای حمایت لازم از اقداماتی که جهت اجرای بند ۱۲ این قطعنامه صورت می گیرد، دارد؛

۴- از همه دولت های مربوطه می خواهد شورا را بطور مرتب در جریان پیشرفت اقدامات برای اجرای بندهای ۲ و ۳ این قطعنامه بگذارند."

به انگیزه تلاش برای فعالیت کردن سازمان ملل در حل بحران منطقه خلیج فارس و چه به انگیزه تحت فشار قرار دادن دولت متجاوز عراق برای تن دادن به راه حل های دیپلماتیک داده شده باشد، با سیمای صلح طلبانه سیاست خارجی این کشور در چند ساله اخیر در تبیین قرار دارد و نشان از تسلیم شدن مسکو به فشارهای اعمال شده از طرف دولت آمریکاست.

مواضع مدافعین اقدام نظامی را تقویت کرده است. هر چند این امر را نباید به معنای حتمی الوقوع بودن جنگ دانست اما خود عاملی است که می بایست حساسیت بیش از پیش نیروهای صلح طلب را برانگیزد. انتقاد از مصوبه شورای امنیت به معنای انتقاد از اعضا دائمی شورای امنیت است که از میان آنها تنها نماینده چین به قطعنامه مزبور رای مثبت نداد. رای مثبت اتحاد شوروی چه

طبقاتی در شکل "کاستی" آن به شدت رنج می برد)، ۳ قرن قبل به ضرب نخستین شمشیر مسلمان جهادگر در هم پاشیده شده بود. جالب اینکه بسیاری از هموطنان مزدکی ما که در آن دوران به یمن تبعید شده بودند، از جمله پیشگامان این نهضت در نخستین مراحل ظهورش بودند و سلمان پارسی از چهره های مشهور همین هاست. اما طبقات رنج دیده ایران که گاه دروازه ها را نیز به روی سپاهیان جهادگر گشوده بودند، وقتی ظلم و ستم هرب (بویژه پس از استقرار امویان) را می بیند می فهمد که هم باید جزیه بدهند، هم تحقیر شوند و هم به دست حجاج بن یوسف کشتار شوند، شروع به مقاومت می کنند. این مقاومت که نقطه شروع آن مقارن مرگ یزدگرد سوم و مکان آن طبرستان بوده، بعدها به سراسر کشور گسترش می یابد، اما در سالها بعدتر مضمون ضدحکومت هرب انطباق با مذهب اسلام دارد. تشکیل حکومت های محلی ایرانی مثل سامانیان، صفاریان، طاهریان، آل زیار و... جلوه های استقلال طلبی و مقاومتی است که بدان اشاره کردیم. در حکومت سامانیان است که بویژه تدارک جدی احیای فرهنگ ملی آغاز می گردد و زبان فارسی در دست از همین سالها می یابد و شکوفایی شود. در یک جمع بندی نهائی، جامعه در شرایطیک مقاومت فرهنگی جدی در مقابل یورش هرب به هستی اجتماعی خویش بوده است. در چنین زمینه تاریخی، به بزرگمردی به نام حکیم ابوالقاسم فردوسی از جانب تاریخ و مردمش سناری و آغاز می کند که همانا سرایش شاهنامه (یعنی سند مکتوب فرهنگ کهنسال این آب و خاک و مبارزه و مقاومت مردمش در برابر ظلم و اشغالگری و در نهایت سلاحی فرهنگی برای دفاع از فرور ملی یک خلق در حال مبارزه برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

مبازره برای احیای خویش) است.

امثالهم را به عنوان دستور کار کنفرانس تعیین کرده اند.

خوب باین حساب وظیفه ما اکنون تلاش برای شناساندن چهره واقعی حکیم ابوالقاسم فردوسی و ماهیت اثر جاودانه اش به مردم ایران و بویژه نسل جوان است. این نکته بسیار مهم را هم باید افزود که تلاش فردوسی برای حفظو احیای فرهنگ مادر دوره خویش، شباهت های ناگزیری به دوران حال دارد و لذا می توان گفت که زندگی و کار این بزرگمرد تاریخ ایران، سرمشق آموزنده ای برای روشنفکران و قلم بدستان هموطن نیز هست. در یک کلام فردوسی همه زندگی و انرژی خویش را بر سر این کار نهاد.

زمینه تاریخی خلق اثر

در چهار مقاله نظامی هروزی - که ۱۵۰ سال پس از فردوسی اولین اشارت مکتوب به این اثر و تاریخ پیدایی آن است، تصه ها و روایاتی ناصحیح در مورد شاهنامه آمده که باید با توجه به دیدگاه اجتماعی مؤلف مورد برخورد انتقادی قرار گیرد. از آن جمله داستان نگارش شاهنامه توسط فردوسی به سفارش سلطان محمود غزنوی است (و سپس دادن سکه های نقره به جای طلا و قهر شاعر و الخ...)، استاد موجود تاریخی به دقت مدلل می سازند که نخستین دور نگارش شاهنامه که به پایان می رسد، هنوز دوران حکومت سبکتکین پدر محمود است و لذا سلطان محمود به هیچ روی نمی توانسته سفارش دهنده اثر باشد.

صحیح آن است که بگوئیم شاهنامه به سفارش تاریخ و به سفارش مردم ایران نگاشته شده و لا غیر. اگر ابوالقاسم فردوسی به دنبال صله و مال و مثال بود، از شیوه های آسان تری (نظیر آنچه که فرخی و منوچهری و هنصری و دیگر شاعران درباری کردند) استفاده می کرد و به پول می رسید. از یاد نبریم که فردوسی نه از این جهامت کم استعدادتر بود و نه هزل و شعور کمتری داشت. ولی شاعر مردم را دلمشغولی دیگر بود اگر چه در دوره هایی از هر بویژه در پایان، دچار فقر و تنگدستی شدیدی هم شده بود.

به تاریخ آن روزگار میهن مان که نگاه می کنیم یک دوران پرتلاطم گذار از مرحله ای به مرحله دیگر است. امپراطوری ساسانیان (که از تضادهای خشن

فردوسی کیست؟ شاهنامه چیست؟

سلسله سخنرانی های نعمت میرزا زاده (م. آ. زرم) در شهرهای مختلف سوئد در نیمه دوم نوامبر امسال با همین عنوان و به مناسبت هزاره فردوسی برگزار شد.

میرزا زاده که چندین سال تحت نظارت استاد مجتبی مینوی به تحقیق پیرامون شاهنامه فردوسی پرداخته و در دوران استادی اش در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در همین زمینه تدریس کرده، با مجارت و همه جانبگی به بحث در این مورد پرداخت. سخنران با توجه به آنکه جمع های شنونده اش (یعنی ایرانیان مهاجر و ملامتند)، جمعی آکادمیک و تحقیقاتی نیست، تلاش داشت تا مضامین مورد نظرش را در قالبی ساده تر و غیر تخصصی ارائه دهد و به واقع که در این کار توفیق داشت.

کار میرزا زاده در شناساندن بخشی از فرهنگ غنی و کهنسال فارسی بسیار ارزشمند بود، بویژه در این دوران ایفای ضد فرهنگی آخوندهای حاکم و نیز در وانفاسی فشارهای لاجرم قربت برای "از خود بیگانه شدن" مهاجرین.

آنچه در زیر می خوانید چکیده استنباطهای گزارشگر از سخنرانی های م. آ. زرم پیرامون شاهنامه فردوسی است.

مشهورترین اثر ناشناخته ادب فارسی

سخنران، شاهنامه را با صفت بالا توصیف نمود و معتقد بود که: بسیاری از هم میهنان ما این جا و آنجا نکاتی پیرامون شاهنامه شنیده اند. اما با دریغ فراوان این تکه پاره ها نیز اکثراً تحریف شده و نامربوط به فردوسی بوده است. در دوران پهلوی اول و پهلوی آخر رسماً دروغ می گفتند تا از این گنجینه ارزشمند مردم ایران برای توجیه حکومت ظلم سو استفاده کنند که مشهورترین این دروغ ها، همانا مصرع معروف "چو فرمان یزدان چو فرمان شاه" است که به دقت علمی می توان ثابت کرد که با هزار تن سریش هم به شاهنامه و فردوسی نمی چسبد. و یا اینکه می گفتند و تبلیغ می کردند که نوشته حکیم، مدح شاهان ایرانی بوده است و باید در همین جا تصریح کرد که شاهنامه را، مدح و توجیه شاهان خواندن یک تقلب کودکانه است. صفت "شاه" (که در مقام اسم نیز به کار می رود)، در زبان فارسی با ترکیبات دیگری مثل شاهراه، شاه بیت، شاهکار، شاه لوله و... نیز به کار رفته است. و فرض و معنا از این کلمه در ترکیب شاهنامه همانا موقعیت آن به ثابته صفت (ونه اسم) یعنی نامه بزرگ (و نامه نیز به معنای پهلوی آن که در اصل نامک باشد)، به کار رفته است و لا غیر. به علاوه

در سراسر شاهنامه که سیر می کنی به وضوح می بینی که تنها در دوره پادشاهان همدل و مردم دوست ایرانی است که آبادانی و شادمانی و فراوانی محصول هست و درست وقتی که پادشاهی ظالم، حاکم می شود، فقر و نکبت و خشکسالی بر زندگی مردم سایه می افکند. در ضمن بیاد داشته باشید که سلطنت در شاهنامه فردوسی به هیچ روی موروثی و ابدی در یک خاندان نیست و دست کم ۳ مورد از جابجایی شاه از یک خاندان به خاندان دیگر را می توان خاطر نشان ساخت و جالب اینکه نیروی موثر برای این برکناری و جابجایی هم شورای پهلوانان مردمی هستند. یعنی زمانی که موجودی ظالم و جابر و بی عرضه را بر تخت می بینند، تحمل نمی کنند و به زیرش می کشند. به هلاکه عاطفی شاعر، در سراسر کارش هم اگر توجه کنید، تماماً متوجه پهلوانان است تا شاهان. که در این زمینه کافی است تنها شخصیت پردازی حکیم از کیکاووس و رستم را در داستان سیاوش به یاد آورید.

جمهوری اسلامی هم که از همان آغاز، فردوسی زدائی در ادبیات را هدف خویش قرار داد، اکنون هم که تحت فشار افکار عمومی جهان مجبور شده اند که در آخرین روزهای سال میلادی مراسم برگزار کنند تا عنوانی مثل مدح آئینه اطهار در شاهنامه، جوانی و نوجوانی ابوالقاسم فردوسی و

تهیه کننده: اعظم میرشکاری

نقد و بررسی

شماره ۱۲۸۸

دستهای کوچک و خسته
کارخانه نساجی اعتمادیه

- دستهای چپ شده؟

* تاجالا دوبار توی دستگاه رفته. وقتی نخ پشت سر هم پاره می شود، باید گره بزنی آنوقت نخ دور دستها جمع می شود و یکهو دست را می کشد داخل خودش.

نرگس می گوید:

* در اینجا به غیر از خودم و پدرم، دوخواهر کوچکتر که ۱۳ ساله و ۸ ساله هستند، کار می کنند.

از پشت پاراوان دو جفت چشم سیاه و نگران از ما استقبال می کنند. راهنما می گوید: «اینجا پناهگاه کارگران زخمی و بیمار است. به سوی آن چشمها می روم. پشت پاراوان، روی تخت دخترکی زخمی به طور نیمه خیز نشسته است. لبخندش بمرتگ و چهره اش سوخته، سوخته است. ماتو و شلوار طوسی بر تن دارد. نگاه ما از صورت به پاهایش کشیده می شود. پای چپش را با باند پیچانده اند. هنوز چشمانش آرامش نیافته اند و با اندوه ما را نگاه می کند:

- چی شده؟ چرا پایت را بستهای؟
سرش خم می شود. لبش را به دندان می گیرد و آهسته زمزمه می کند: «خانم، گاری «بیبین» (۱) افتاده روی پام.

- یکی از آن قرقره ها یا همماش؟
- نه خانم، همماش.

- مگر گاری را به تنهایی حمل می کردی؟

- بله، خب برای عوض کردن بوبینها، خودمان باید گاری را بپاوییم. بعد هم باید خالیها را برداریم و بوبینهای پر توی گاری را روی دستگاه بگذاریم.

- خیلی درد کشیدی؟
- خب آره... نه، نه زیاد!

- تاکی باید اینجا بمانی؟
- خانم بهداشت گفته تا ظهر. بعد هم بروم خانه و استراحت کنم.

مسئول بهداشت می گوید: «چیزی نیست، فردا که بیاید، قیراق است. مگر چه شده؟»

به پای دخترک نگاه می کنم که کبود شده و به فکر اینکه باید حتماً به رادیو لوزی فرستاده شود. چشمهای دخترک دیگر با ما نیست. او به دمپایی رنگ و رو

رفتاش نگاه می کند و شاید در این اندیشه که چطور پای باندپیچی شده اش را داخل آن فرو کند.

وقتی اسمش را می پرسم، به خود می آید و می گوید:

- معصومه.

- معصومه جان، در اینجا از اعضای خانواده های کسی هم هست که کار

کند؟
- بله، خواهرم اواز من کوچکتر است و یازده سال دارد.

- از تو بزرگتر هم در خانه تان هست؟
- نه، من فرزند بزرگ خانواده ام.

- چند وقت است که کار می کنی؟
- یکسال و پنج ماه.

- چقدر حقوق می گیری؟
-؟!...

- حقوقت را چه کار می کنی؟
- خرج خودم و خانواده.

و بعد از مکثی کوتاه می گوید: «تاجالا

تا به حال دختران هشت ساله را به غیر از پشت میز درس، در کارخانه دیدماید؟... ما دیده ایم. در این کارخانه دستهای کوچک و ظریفی مشغول گره زدن نخهای پاره هستند و اگر یک لحظه غفلت کنند، نخ دور دستها جمع می شود و بعد دستگاه دستشان را می خورد...

... در این کارخانه، نگاههای نگرانی مشتاق دیدارند. به دیدنشان بروید و از نزدیک با آنها و با درد آنها آشنا شوید. آنها بیگانه نیستند! نزدیک ظهر است. با اینکه پاییز خرامان، خرامان آمده، اما هنوز گرمای بوشهر، طاقت فرسا است. با این نیت که می خواهیم از «کارخانه نساجی اعتمادیه» دیدن کنیم، از خانه راه می افیم. به در کارخانه که می رسیم، صدای دستگاهها گوشمان را پر می کند. من و دوستم به هم نگاه می کنیم و بعد داخل کارخانه می شویم. هوا پر از



گرد و خاک پنه است. راهنما به سراغمان می آید. او که ماسکی بر صورتش کشیده با صدایی ناخوش می گوید: «فرمائید از این طرف.» کارگران، همه بدون استثناء، ماسکهایشان را زیر چانه انداخته اند. در این حالت، ماسکها بیشتر دکور هستند تا حفاظ.

به محل کار دختران می رسیم. ظاهرآ چنین به نظر می آید که اکثریت نیروی کار اینجا را دختران و زنان تشکیل می دهند. دوستی که همراه من است، می خواهد فیلمنامه ای در باره کار دختران تهیه کند. او سخت مشغول کار است و مدام از نماهایی که برایش کارسازند، یادداشت برمی دارد. جلوتر می روم.

دستگاهی، پنه را فیله می کند و بعد ریسمانها بدور قرقره ها پیچیده می شوند. از هر دستگاهی که می گذریم، نخها تابیده شده، نازکتر می شوند تا آنکه تاروپود، جداگانه ریسیده می شوند.

سپس قرقره های بزرگ حاوی تاروپود را نزد دستگاه بافنده می برند و بعد کارگران در کنار دستگاه می ایستند تا هرگاه نخ پاره شد آن را مجدداً گره بزنند.

سروصدا زیاد است و اسان حرف زدن به ما نمی دهد. برای حرف زدن باید فریاد کشید و حتی بعضی مواقع فریاد هم کارساز نیست!

با آنها حرف می زنیم، یعنی فریاد می زنیم، فریادی که در تداوم صدای

دستگاه گم می شود.

ارزش ناشی از دستگاههای عظیم به زمین منتقل می شود و از زمین به پای ما. در اینجا، هشت ساعت کار برای این دختران و زنان که در میان آنها پیر و باردار هم پیدا می شود، عادی است. آنها حتی برای اینکه از شر سروصدا راحت باشند، از گوشه هایشان استفاده نمی کنند. گوشه های روی شانه های کارگران تاب می خورند و یا به دستگاه تکیه داده اند. ما کاری را ندیدیم که از گوشه استفاده کنند.

هیچی پول پس انداز نکردم
بر سروردی نوشتند: «اتفاق

بهداشت» وارد می شویم.

کار کنی؟

- نه... و بعد سکوت می کند.

نگاهم، دوباره به پاراوان می رود. چشمهای معصوم معصومه مرا می یابند. مسئول بهداشت به معصومه می گوید: «اگر درد پایت آرام گرفته، می توانی با بچه ها به محل کارت بروی!» معصومه با سختی بلند می شود و لنگان لنگان بطرف دوستانش می رود. همگی می خندند. راستی به چه می خندند؟

باز در ذهن معصومه را می بینم که پشت دستگاه است و از درد پا گریه می کند. نخ پاره می شود. معصومه بر روی دستگاه خم می شود و آن را گره می زند. یک قطره اشک روی گره می نشیند و او گره را رها می کند...

- سرم درد می کند!

صدای دختری جوان که به نظر ۲۰ ساله می رسد، مرا بخود می آورد.

مسئول بهداشت به او قرص مسکن می دهد. او قرص را می گیرد و با کمی آب می خورد. بسرای رفتن، عجله دارد ولی با شکیالی که من می کنم، می ایستد و جوابم را می دهد:

- چند سال است که در اینجا کار می کنی؟

- ۱۳ سال

و بعد بدون اینکه منتظر سؤال دیگر باشد، می گوید: تمام اعضای خانواده ام در اینجا کار می کنند. حالا همه رفتند سرخانه زندگی شان و با کار دیگری پیدا کردند. فقط من مانده ام. خرج مادرم را خودم می دهم.

به دستهای نگاه می کنم. جای چندین بخیه بر انگشتانش نشسته است.

- دستهای چپ شده؟

- تا حالا دوبار توی دستگاه رفته.

- مگر موقع کار بی احتیاطی می کنی؟

- نه، مراقب هستم ولی وقتی پشت سر هم نخ پاره می شود، باید گره بزنی. آن وقت نخها دور دستها جمع می شود بعد دستگاه یکهو دست را می کشد داخل خودش.

هنوز برای رفتن عجله دارد و به مسئول بهداشت نگاه می کند. عذرخواهی می کند و می گوید:

- خیلی دیر شده باید سر دستگاه بروم □

بوبین: قرقره، ماسوره، وسیله ای است در بعضی دستگاههای برقی شبیه قرقره که روی آن سیم پیچی شده و فشار جریان برق را بالا می برد.

- هرچه بوده، خرج خانه کردیم. وسیله خانه خریدیم. آبگرمکن را با پولهای من خریداند.

- دلت می خواست یک کارخانه داشته باشی و دخترها می آمدند و کار می کردند؟

محکم و جدی می گوید: «نه».

- چرا؟

دختر باید درس بخواند. با یکی دیگر از عیادت کننده معصومه حرف می زنم:

- اسمت چیست؟

- فاطمه

- چند سال داری؟

- ۱۳ سال

- مدرسه هم می روی؟

- بله، تا کلاس پنجم درس خوانده ام - چند وقت است که در این کارخانه کار می کنی؟

- ۹ ماه

- کی به تو گفته که در اینجا کار کنی؟

- دختر همسایه مان - او هم اینجا است.

- چند تا خواهر و برادر داری؟
- هشت تا.

- دلت می خواهد که همیشه اینجا

درس خوانده ام.
- چرا دیگر به مدرسه نمی روی؟
- می خواهم کار کنم.

- چرا؟
-؟!...

دوباره می پرسم: «چرا به مدرسه نمی روی؟»

- کسی را نداریم که کمکمان کند.

- کی به تو گفت که به این کارخانه بیایی؟

- خاله ام.

- او هم اینجا کار می کند؟
- بله. در قسمت بافنده کار می کند.

- در خانواده ات بزرگتر از تو نیست که کار کند و کمکتان باشد؟

- من دختر بزرگ خانواده هستم اما یک برادر بزرگتر دارم که در کلاس نهم درس می خواند.

نرگس به ما نزدیک می شود. احساس می کنم چون وقت کم دارند، می خواهند زودتر حرف بزنند. نرگس می گوید که تا کلاس پنجم ابتدایی درس خوانده است و حالا هم با گلنار روی یک دستگاه کمک می کند.

- کی تو را به اینجا آورده است؟
- پدرم.

- او هم در همین جا کار می کند؟
- بله در قسمت متر از کار می کند.

- چندتا خواهر و برادری؟
- پنج تا خواهر و برادری.

- در اینجا به غیر از تو و پدرت کسی دیگر از خانواده ات هم کار می کند؟

- بله، دو خواهر کوچکتر از خودم که یکی ۱۳ ساله و دیگر ۸ ساله است.

با تردید می پرسم: خواهر ۸ ساله تو هم اینجا کار می کند؟

و نرگس متعجب از تعجب من، بروبر نگاهم می کند.

در این لحظه مسئول بهداشت می گوید: «خواهر نرگس در موقع ورود به کارخانه سل داشته است.»

و من در ذهن دخترک هشت ساله را می بینم که پشت دستگاه عظیم و خشن کار می کند. ماسک زیرچانه اش است گوشه ای روی شانه ضعیفش تاب می خورد.

قلبم می جاله می شود و درد تا استخوان مغزم کشیده می شود.

- خواهر دیگر کجاست؟
- پشت ماشین است و دارد کار می کند.

- خانه تان کجاست؟
- پشت کارخانه. جای قدیمی کارخانه یک اتاق داریم.

به یاد می آید که خانه های پشت کارخانه، وضع اسفباری دارند و به ما اجازه ندادند از آنها دیدن کنیم.

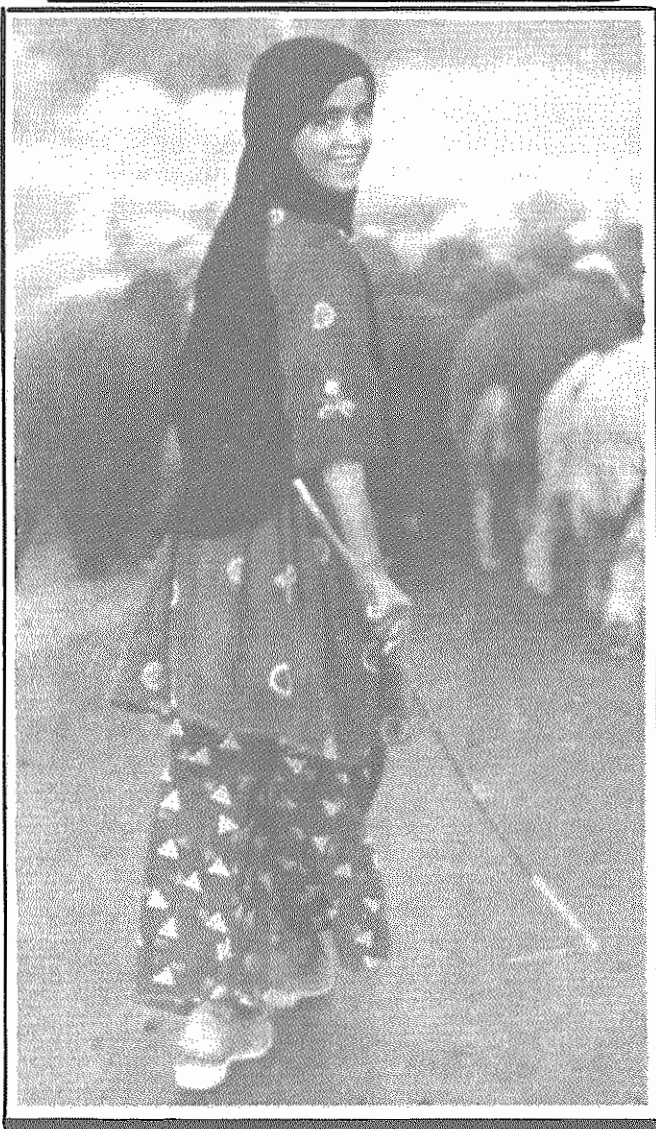
- نرگس جان با پولهایی که از کارخانه می گیری، چه می کنی؟

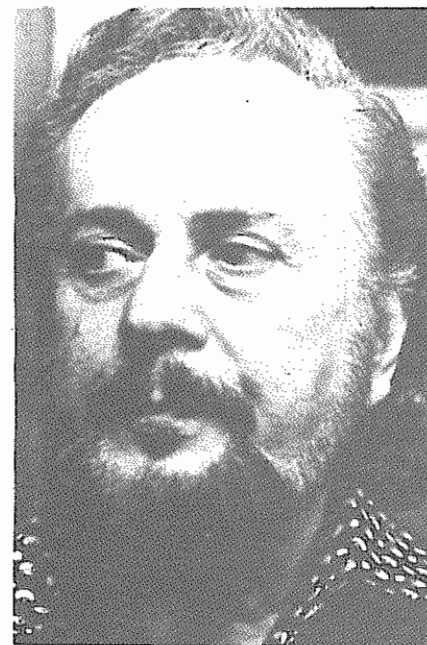


- در کدام قسمت کار می کنی؟
- دولاتاب.

- چند وقت است که در این کارخانه کار می کنی؟
- دوماه.

- مدرسه هم می روی؟
- می رنم. تا کلاس چهارم دبستان





ریتسوس شاعر عرصه‌های ممنوعه

ترجمه - ح. بهداد

باری، اینک در خانه ریتسوس نشستیم و او سخن گفتن آغاز میکند: «زبان را من نه در مدرسه و نه در کتاب‌ها، بلکه از رهگذر تماس و رابطه با مردم آموختم، از این رو بسیاری از آثارم زبان کس و نسبتاً تند و تیز دارند، که در واقع همان زبان کشاورزان، کارگران، مغازداران و ماهیگیران است. در رابطه با همین انسان‌ها بود که من برای اولین بار ترانه‌های اصیل بومی را شنیدم. همان جا بود که من با نظام ۱۵ هجایی اشعار کوچک و بازار آشنا شدم و دوازده ساله بودم که خود نمونه‌های برجسته‌ای از این گونه شعرها سرودم. در واقع با همین نظام ۱۵ هجایی بود که من توانستم بنویسم و سخن بگویم، گویی که ریتم و ضرباهنگ این گونه شعر از همان آغاز در خون و نفس‌های من جاری بوده‌اند.

مردم یونان با رویکرد به تاریخ و سنن خویش توانستند ۴۰۰ سال آزار در زیر یوغ و سرکوب دوام آورده و اصالت خویش را پاس بدارند. آنها ترانه‌ها، رقص‌ها، صنایع دستی و معماری یونان را دستمایه پاسداری از هویت ملی خویش ساختند. تصور را بکنید ۴۰۰ سال، گرچه به زبان راحت می‌آید، اما زمان کمی نیست. آنچه که مرا به هلنیسم شیفته می‌سازد، همان مولفه‌های هموم بشری آن است، نه، این شیفتگی ربطی به عظمت طلبی و ملی‌گرایی افراطی ندارد، بلکه از گرایش به ارزشهای ملی، مردمی و در همین حال جهانشمول سرچشمه می‌گیرد.»

از طبقه چهارم میتوان به درون خانه‌های مجاور نظر انداخت و یا به تماشای حیاط مدرسه‌ای در آن نزدیکی ایستاد. ریتسوس میگوید که روزها صدای جوش و خروش دانش‌آموزان همه‌جا را فرا میگیرد، درون خانه ریتسوس بلافاصله نظر انسان را بخود جلب میکند، روی زمین، در قفسه‌ها و روی میزها سنگ‌ها و ریشه‌هایی نهاده شده‌اند که ریتسوس در بدترین لحظات حیات خویش، در جزایر متروک و دورافتاده بر آنها نقش‌هایی از زندگی حک کرده‌است.

یک ساعتی از گفتگو میگذرد و روزی یک نیمه گذشته است. ریتسوس سرانجام خواهش ما را میپذیرد و اجازه میدهد که از گفتگوی با او فیلمبرداری کنیم و سخن وی اینگونه ادامه یافت: «بزرگترین پیروزی دشمنان هنگامی است که تو را با زندگی بیگانه کرده و به پرتگاه یاس و نومیدی فرو اندازند، به‌گونه‌ای که تو همه چیز را بی‌ارزش و بعروزی و آسایش خاطر رادست نایافتنی ببندی. در آویختن با نومیدی و یاس و در آمیختن با عشق و زندگی رزمی‌گرا نمای و لذت بخش است... از روند نثرگونه زندگی روزمره گرفته تا فرازهای برجسته زندگی همه برای من شعرگونه‌اند. شعر گفتن برای من نه جولان دادن احساس و اندیشه در منطقه‌ای محصور با سیم‌های خاردار، بلکه در نور دیدن مرزهای مجاز و ورود به عرصه‌های ممنوعه است.»

یکسال و اندی پس از این دیدار، در سپتامبر ۱۹۸۳ ریتسوس رادر میدان بزرگی در آتن بر سکوی خطابه دیدم. وی پس از قرار گرفتن در پشت میکروفون لحظه‌ای وادرنگید و سپس اینگونه آغاز کرد: «تطعمه‌ای در ستایش بچه‌های دانشگاه پلی‌تکنیک» دانشجویان این دانشگاه سال ۱۹۷۳ با قربانیان بسیار قیامی گسترده را دامن زدند که سرانجام به سقوط حکومت خودکامه سرنگان انجامید. و اینک ریتسوس با شعر خویش به‌این دانشجویان ادای احترام میکرد. سکوت همه‌جا را فرا گرفته بود، تعاصداً ریتسوس بود که در میدان طنین انداز میشد. ده‌ها هزار نفر با فرو بسته بودند تا شعر وی را بهتر بشنوند. چنین صحنه شورانگیزی را من تنها چند سال بعد در برلین تجربه کردم، این بار نیز ریتسوس بود که برای مردم سخن میگفت: «هنگامی که به کتابهایم نگاه میکنم و وقت و نیرویی را که صرف آنها شده، در نظر می‌آورم، از خود میپرسم: «ریتسوس! تو واقعا از زندگی چه چیزی فهمیده‌ای؟ با این همه کار کی فرصت داشته‌ای که عاشق بشوی و یا حتی به استخر بروی؟ راست این است که من نه تنها مجال عاشقی شدن داشتم، بلکه فرصت آن را هم داشتم که خاطر خواهم شوند. در واقع من همانگونه زندگی کرده‌ام که بسیاری دیگر، هم با مردم در آمیخته‌ام، هم به تبعید فرستاده شده‌ام و هم به زندان افتاده‌ام. اما برآستی اینها کی اتفاق افتاده‌اند؟ من دریافت‌ام که هر لحظه زندگی انسان بیکران و لایتنای است، آنکه خلاقانه و سازنده

هر باهداد
آنگاه که از پنجره گشوده
به آسمان مینگریم
به اندازه یک بینهایت
از دیروز جوانتر میشوم
نه، این نه احساس است
و نه توهم و پندار
و اتفاقاً بینهایت جوانتر میشوم
باورم کنید، با اطمینان می‌گویم.»



برگزیده شعر امروز ایران

نیما یوشیج (۱۳۳۸-۱۲۷۶)

لژک آرای تن ساق گلی
که به جانم کشم
و به جان دادمش آب
ای دریا به بزم من شکند

شعری قافیه آمیخته استخوان است. قافیه این است که من به شعری دهم و بنظر می‌آید که قافیه ندارد، نه اینکه قافیه در آورده‌اند. کار قافیه کار نیست بچگانه، بسیار آسانست. عزیز من، قافیه بندی آنطور که من می‌دانم، وزن و رنگ مطلب آنرا اسم می‌گذارم، بسیار بسیار مشکل است و بسیار بسیار لطیف و ذوق می‌خواهد.

در اشعار آزاد من، وزن و قافیه به حساب دیگر گرفته می‌شوند. کوتاه و بلند شدن مصرع‌ها در آنها بنابر هوس و فانتزی نیست. من برای بی‌نظمی هم به نظم اعتقاد دارم. هر کلمه‌ی من از روی قاعده‌ی دقیق به کلمه دیگر می‌چسبد. شعر آزاد سرودن برای من دشوارتر از غیر آن است.

مایه اصلی اشعار من رنج من است. بقیده من گویندی واقعی باید آن مایه را داشته باشد. من برای رنج خود شعری گویم. فورم و کلمات و وزن و قافیه، در همه وقت، برای من ابزارهایی بوده‌اند که مجبور به عوض کردن آنها بوده‌ام تا با رنج من و دیگران بهتر سازگار باشد.

در دوره‌ی زندگی خود من هم از جنس رنجهای دیگران سهم‌هایی هست، بطوریکه من باتوی خانه و بچه دار و ایلخی بان و چوپان ناقابلی نیستم؛ به این جهت وقت پاکتویس برای من کم است.

نیما یوشیج

هست شب

هست شب

هست شب، یک شب دم کرده و خاک

رنگ رخ باخته است.

باد، نوباوه‌ی ابر، از بر کوه

سوی من تاخته است.

هست شب. همچوورم کرده تنی گرم دراستاده هوا.

هم ازین روست نمی‌بیند اگر گمشده‌ای راهش را.

با تنش گرم، بیابان دراز

— مرده را ماند در گورش تنگ —

به دل سوخته‌ی من ماند

به تنم خسته، که می‌سوزد از هیبت تب.

هست شب. آری شب.

داروک

داروک

خشک آمد کشتگاه من

در جوار کشت همسایه

گرچه می‌گویند: «می‌گیرند روی ساحل نزدیک

سوگواران در میان سوگواران.»

قاصد روزان ابری، داروک! کی می‌رسد باران؟

بر بساطی که بساطی نیست،

در درون کومه‌ی تاریک من که ذره‌ای با آن نشاطی نیست

و جدار دنده‌های نی به دیوار اتاقم دارد از خشکیش می‌ترکد

— چون دل یاران که در هجران یاران —

قاصد روزان ابری، داروک! کی می‌رسد باران؟



از روی داده‌های ایران

انتقاد احمد خمینی از سیاست "درهای باز" رفسنجانی

سید احمد خمینی در سخنرانی برای گروهی از مردم، سیاستهای اقتصادی دولت رفسنجانی را مورد انتقاد قرار داد. وی در بخشی از سخنرانی خود گفت: ما اعتقاد داریم که همه مردم باید در رفاه باشند و قائل به رفاه عمومی هستیم اما تا آنجا که به آرمانه‌های انقلاب و حیثیت کشورمان صدمه نرسد، ما این پرسش را طرح می‌کنیم عده‌ای که شعار رفاه اقتصادی را می‌دهند چگونه و تا کجا این شعارشان دارای ارزش و اعتبار است؟ اگر می‌گوئیم روابط اقتصادی با کشورهای غربی داشته باشیم تا کجا می‌توانیم این روابط را گسترش دهیم، وی افزود: ما در مش در مقابل

استکبار چه غربی و چه شرقی را کلید حل معضل اقتصادی نمی‌دانیم و معتقدیم نرمش در مقابل استکبار ما راه نیستی و تباهی سوق می‌دهد و هر روز ما را فقیرتر و بدبخت‌تر می‌کند. سیاست‌های اقتصادی یکی از عرصه‌های اصلی جدال جناح‌های مختلف حکومتی است، رفسنجانی می‌کوشد با شعار رفاه اقتصادی جناح مقابل را به عقب نشینی وادارد و سیاست درهای باز به روی غرب را با سرعت بیشتری پیش‌برد، اما مخالفین او حاضر به تمکین به این سیاست نیستند و در هر فرصتی آنرا مورد انتقاد قرار می‌دهند.



ماشین سپاه پاسداران روز ۲۹ آبان در خیابان سعدی تهران به صف منتظران اتوبوس کوئید. در این حادثه ۳ نفر کشته و تعداد زیادی مجروح شدند. خیابانها جولانگاه گزندگان رژیم است. ساعت ۱۱ صبح در مسیر خط ویژه اتوبوس "لندکروز" سپاه پاسداران با سرعت زیاد چه هدنی را دنبال می‌کرده است؟

مصادره یک مرکز صدا و سیما

بدنبال صدور حکم دادگاه مبنی بر واگذاری ساختمان مرکز تحقیقات و مطالعات صدا و سیما جمهوری اسلامی به فردی بنام "آل طلعه" که مدعی مالکیت این ساختمان می‌باشد، مأمورین پلیس قضایی همراه با ایادی "آل طلعه" به این ساختمان یورش آوردند و آنرا مصادره کردند. روابط عمومی صدا و سیما طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد این ساختمان که قبلاً متعلق به بنیاد اشرف پهلوی بوده و بعداً به صورت رهن در اختیار بانک تجارت قرار گرفته، از سوی این بانک به "آل طلعه" صلح شده و این فرد با پرداخت ۱۷ میلیون ریال ساختمانی را که قیمت کنونی آن بالغ بر یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال می‌باشد تصرف کرده است. بنا بر گزارش فوق این ساختمان که دارای میلیون هاتومان تجهیزات فنی و الکترونیکی می‌باشد توسط عوامل پلیس قضایی و "آل طلعه" غارت و بخشهایی از آن ویران شده است. پلیس قضایی مدعی است که کلیه تجهیزات ساختمان را در چند اتاق مهر و موم کرده و حفاظت از آنها را به "آل طلعه" سپرده است.

همزمان با این اقدام، مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ای یک میلیارد تومان از بودجه صدا و سیما را کاهش داد. این مقدار برابر، با یک چهارم بودجه سالانه این سازمان می‌باشد. سرپرست سازمان صدا و سیما محمدحاشمی برادر هاشمی رفسنجانی است و تندر و هاشمیت از او ناراضی هستند و بارها او را متهم به سانسور نظرات و سخنان خود کرده‌اند، و اکنون با این اقدام به انتقام‌جویی از او پرداخته‌اند.

سه‌میه تازه برای ورود به دانشگاه

مختلف جزو سه‌میه ارگان‌ها و نهادهای وابسته به رژیم قرار دارد. هر ساله گروه بزرگی از مأموران سپاه، کمیته، بسیجی‌ها، نرزدان قربانیان جنگ و... با شرایط ویژه آسان به دانشگاه‌ها وارد می‌شوند و صدها هزار جوان غیر وابسته به نهادهای دولتی با درهای بسته مراکز آموزش عالی مواجه می‌شوند. در راستای این سیاست چندی پیش نیز اعلام شد که سه‌میه ویژه‌ای از دانشگاه‌ها به همسران "جانبازان بالای ۵۰ درصد" اختصاص یافته است.

مملکت اسلامی همه‌اش نظامی است

تجهیز، آماده‌سازی و ایجاد تسهیلات لازم برای بسیج هستند و من از بسیج که در حال خدمت به اسلام، کشور و انقلاب است دفاع خواهیم کرد. نمایندگان مجلس نیز به مناسبت برگزاری هفته بسیج بیانیه‌ای انتشار دادند. در این بیانیه از سیاست‌های جناح حاکم انتقاد شده است. مراسم "بسیج مستضعفان" امسال بی‌روقت تر از سال‌های گذشته برگزار شد.

داد و پس از ۱۱۶ روز آن را پایان داد. خواست اعتصابیون، جابجایی به کشور ثالثی بوده است. در اطلاعیه امداد فیلی پین گفته شده است که در طول چند سال اخیر وضع کلی پناهندگان در فیلیپین نه تنها بهبودی نیافته بلکه وخیم‌تر از گذشته نیز شده است. فشار روز افزون ناشی از مشکلات سیاسی حاکم در جامعه فیلی پین، آینده تاریک و نامعلومی در پیش روی ایرانیان مقیم این کشور به ویژه پناهندگان ایرانی، قرار داده است. اعتصاب غذای فوق موجب تسهیلات کوچکی در شرایط پناهندگی در این کشور شده است. اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی، در مطبوعات و رسانه‌های همگانی فیلی پین بازتاب گسترده‌ای یافت. پناهندگان ایرانی در برخی از کشورهای دیگر نیز با اعتصاب کنندگان اظهار همبستگی کردند.

پایان اعتصاب غذا

نشریه "هم وطن" گاهنامه اتحادیه ملی و دموکراتیک ایرانیان در فیلی پین (امداد فیلی پین) در شماره نوامبر خود خبر پایان اعتصاب غذای ۴ تن از پناهندگان ایرانی در فیلی پین را منتشر ساخته است. خبر این اعتصاب غذا در شماره ۳۲۰ اکثریت به چاپ رسیده بود. در اطلاعیه امداد فیلی پین خاطر نشان شده است:

۳ تن از پناهندگان ایرانی در حال اعتصاب غذا، به علت در خطر بودن سلامتی‌شان بعد از ۸۳ روز، اعتصاب غذای خود را در بیمارستان شکستند. نفر چهارم اعتصاب غذای خود را ۳۷ روز دیگر ادامه

۱۵۰ اعدام در یک ماه

کاروان‌های قاچاق، اعدام‌های گسترده قاچاقچیان و بسیاری از کسانی که دستشان به کار قاچاق و استفاده از مواد مخدر آلوده شده است ادامه دارد. در آخرین روزهای ماه گذشته گروه دیگری از این افراد در شهرهای مختلف کشور قربانی خشونت و خوی جنایتکارانه رژیم شده‌اند. تعداد این اعدام‌ها در ماه گذشته به بیش از ۱۵۰ مورد بالغ شده است. مقامات رژیم از فاش ساختن تعداد اعدام‌های صورت گرفته خودداری می‌کنند، اما فرم‌مانده کل کمیته اعلام کرده که طی دو سال ۵۲۰ شبکه قاچاق متلاشی شده است و گفته‌است در ایران یک میلیون معتاد وجود دارد که ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر آنها در دو سال اخیر اعتیاد خود را ترک کرده‌اند.

تعطیلی ۴۰ مغازه توسط کمیته

همراه با گشت کمیته در سطح شهرها و جاده‌ها متخلفین از قوانین اسلامی را مجازات خواهند کرد. در همین حال روابط عمومی کمیته اعلام کرد که از فعالیت مغازه‌ها و اماکنی که مقررات و شئون اسلامی در آنها رعایت نمی‌شود، قاطعانه جلوگیری خواهد کرد. در این اطلاعیه که روز ۲۰ آبان منتشر شده، خاطر نشان گردیده است که مأمورین کمیته ظرف ۴۸ ساعت ۱۱۰ واحد را مورد بررسی و تفتیش قرار داده و ۴۰ واحد از آنها را تعطیل کرده و به صاحبان ۷۰ واحد دیگر اخطار کتبی داده‌اند.

افزایش سوانح ناشی از کار

توجهی به مسائل ایمنی و حفاظت و بهداشت کار در محیط‌های صنعتی و کارگری است. وی در سخنرانی خود فاش ساخت که ۶۹ درصد کارگرانی که در محیط‌های پر سروصدا کار می‌کنند دچار کوری تدریجی هستند. رئیس مرکز تحقیقات و تعلیمات و بهداشت کار گفت سالانه ۱۰ میلیارد ریال از سوی سازمان تامین اجتماعی صرف فرامت دارویی برای حوادث ناشی از کار می‌شود که اگر ۱۰ درصد این رقم برای آموزش ایمنی و بهداشت کار و پیشگیری از حوادث به مصرف برسد، میزان حوادث ناشی از کار به نصف کاهش خواهد یافت.

بدون تفسیر!

حقوق بشر برای روحانیون حوزه علمیه قم توسط آیت‌الله جوادی‌آملی تشکیل خواهد شد. این دوره از هشتم آذرماه سال جاری در روزهای ۵ شنبه دایر می‌شود و در پایان، مدرک تخصصی با اعتبار و امتیاز داخلی به فارغ التحصیلان اعطا خواهد شد!

آیا ورزش از بن بست خارج می‌شود؟

مشوقان آن نیز شده‌اند. وعده‌های فراوانی در جهت خارج کردن ورزش ایران از بن بست رخوت آور قبلی، تهیه امکانات، گسترش روابط بین‌المللی و موفقیت‌های آتی داده می‌شود. جامعه ورزشی ایران هنوز به این وعده‌ها باور ندارد و بخش عمده‌ای از آنها را ناشی از نان به نرخ روز خوردن مسئولین می‌داند. قضاوت واقعی نسبت به این موضوع که آیا رژیم جمهوری اسلامی حقیقتاً سیاست ضد ورزشی خود را دگرگون ساخته یا نه باید به زمانی موکول ساخت که همچنان ناشی از قهرمانی تیم فوتبال فرو بخوابد.

ایران در بازی رفت در تهران با نتیجه ۶ بر صفر بر حریف پاکستانی خود غلبه کرده بود.

تیم ملی فوتبال امید شوروی که برای انجام ۴ مسابقه دوستانه به کشور ما سفر کرده است، روز جمعه در اولین مسابقه خود در برابر تیم استقلال تهران باشگاه‌های ایران قرار گرفت. این مسابقه که در ورزشگاه آزادی انجام شد با ۲ گل به نفع تیم امید شوروی به پایان رسید.

در ادامه مسابقات جام حذفی باشگاه‌های تهران، تیم پیروزی تهران در تبریز در برابر تیم پیستون سازی این شهر قرار گرفت و با ۳ گل به پیروزی رسید. گل‌های پیروزی را فرشاد پیوس در دقیقه ۹ و ۳۲ و ناصر محمدخانی در دقیقه ۵۷ به ثمر رساندند. از این مسابقه ۲۰ هزار نفر دیدن کردند. تیم پیروزی تهران قرار است به نمایندگی از کشور مادر مسابقات جام در جام آسیا شرکت کند.

تیم کشتی فرنگی ایران در مسابقات جام جهانی که با شرکت ۵ تیم در سوئد برگزار شد به مقام پنجم رسید. تیم‌های شوروی - کوبا - آمریکا و سوئد مقام‌های اول تا چهارم را بدست آوردند. تیم شوروی هر چهار مسابقه خود را با پیروزی به پایان رساند.

فرمانده یکی از قرارگاه‌های مرکزی کمیته انقلاب اسلامی اعلام کرد که یک کاروان بزرگ قاچاق مواد مخدر در مناطق کویری در یک عملیات مشترک توسط نیروهای سپاه، ژاندارمری، وزارت اطلاعات و هوایروز منهدم شده است. در این عملیات برای سرکوبی قاچاقچیان از انواع سلاح‌های زمینی و هوایی استفاده شده است و در جریان آن ۸ نفر از قاچاقچیان به قتل رسیده‌اند. فرمانده کمیته، پاکسازی مناطق کویری و مرزی از قاچاقچیان را یکی از اجزای مهم برنامه‌های رژیم در مبارزه با این پدیده شوم ذکر کرد.

بموازات عملیات برای کشف و انهدام

مختار کلانتری، فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی طی سخنانی اعلام داشت که جمهوری اسلامی مصمم است به مبارزه علیه "مفاسد اجتماعی" و بدحجابی ادامه دهد. وی گفت بدین منظور طرح دراز مدتی تهیه شده و به تصویب شورای امنیت ملی نیز رسیده است که بزودی، پس از تصویب در مجلس، به اجرا گذاشته خواهد شد. کلانتری افزود: علاوه بر این طرح، طرح کوتاه مدتی نیز شامل تشکیل دادگاه سوار در نظر گرفته شده که بر اساس آن حکام شرع

رئیس مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت وزارت کار در سمیناری که تحت عنوان ایمنی و بهداشت کار در شهر اراک تشکیل شد، گفت بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ تعداد معلولین ناشی از حوادث کار ۲۰ برابر نسبت به سنوات قبل از آن افزایش یافته است. به گفته وی طی همین فاصله زمانی پرداخت فرامت از سوی سازمان تامین اجتماعی تنها ۱۵ برابر افزایش یافته است. مطابق این گفته مقدار پرداخت فرامت ناشی از آسیب دیده‌گی بهنگام کار، بارشد سریع تعداد این گونه آسیب دیده‌گی‌ها هم‌خوانی ندارد و ناشی از کم

قم - خبرنگار اطلاعات: دوره تخصصی حقوق بشر برای نضلا و روحانیون حوزه علمیه قم تشکیل می‌شود. بر اساس اطلاعیه‌ای که از سوی دفتر امور روحانیون نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انتشار یافت، اعلام شد: دوره تخصصی

دکتر ففوری فرد سرپرست سازمان تربیت بدنی طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که امسال ۷ میلیارد ریال بودجه در اختیار سازمان تربیت بدنی قرار گرفته است. به گفته وی، این رقم نسبت به سال قبل ۵۰ درصد افزایش یافته است. به گفته وی وسایل و تجهیزات ورزشی جدیدی از کشورهای خارجی خریداری شده است.

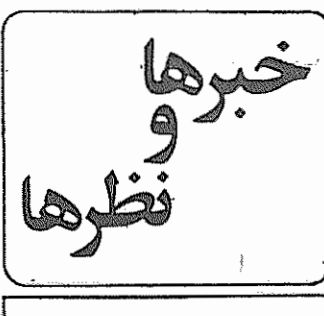
پس از پایان بازیهای آسیایی و قهرمانی تیم ملی فوتبال تحرک چشمگیری در جامعه ورزشی ایران پدید آمده است. سران رژیم تاکنون نه تنها به روال قبلی در برابر این تحرک ایستادگی نکرده‌اند، بلکه

اخبار کوتاه ورزشی

روز ۵ شنبه گذشته یازدهمین دور بیست و نهمین دوره بازیهای المپیک شطرنج انجام شد. این مسابقات که از ۲۵ آبان‌ماه آغاز شده تا پانزدهم آذرماه ادامه خواهد یافت، در دور یازدهم قهرمانان شطرنج ایران در برابر تیم ایرلند به مساوی ۲ بر ۲ دست یافتند. تیم شطرنج ایران در پایان این دوره از مسابقات دارای ۵/۲۱ امتیاز است.

تیم ایران در دوره‌های قبلی بر اروگوئه، السالوادور، دومینیک، پاکستان و بولیوی غلبه کرده بود. دانمارک و کلمبیا از جمله کشورهایی بوده‌اند که موفق شدند شطرنج بازان ایران را شکست دهند.

جمعه گذشته تیم فوتبال ارتش ایران با نتیجه یک بر صفر بر تیم ارتش پاکستان غلبه کرد و به مسابقات نهایی ارتش‌های جهان که سال آینده در هلند برگزار می‌شود، راه یافت. تنها گل این مسابقه را اعلی روزبجانی کاپیتان ایران در دقیقه ۵۲ بازی به ثمر رساند. این مسابقه در شهر اسلام‌آباد برگزار شد. تیم



سازمان کارگران انقلابی ایران:

خطمشی مادر قبال بحران

سازمان کارگران انقلابی ایران چندین مقاله را تحت عنوان مباحث کنگره این سازمان منتشر مینماید. در بسیاری از این مقالات احکامی که در گذشته این سازمان بعنوان احکام قطعی اعلام می شد و تردیدکنندگان در مورد آن احکام مورد حملات تند و حتی دشنام قرار می گرفتند مورد سوال قرار میگیرند. در برخی از این مقالات مسائل امروز جنبش چپ مورد بحث قرار میگیرند. مادر اینجا بخشهایی از مقاله خطمشی مادر قبال بحران چیست بقلم برهان رادرج میکنیم.

ما، در شرایطی کنگره خودمان را تدارک می بینیم که بحران بیسابقه و همه جانبه ای جنبش کمونیستی را در گرفته است. هم در سطح جهان و هم در ایران، همه چیز مربوط به کمونیسم به زیر سوال کشیده شده است...

اگر بحران حاضر را بخواهیم با اصلی ترین وجه آن بنامیم، بحران یک مدل از سوسیالیسم است. هم مدل ساختار سیاسی و هم مدل ساختمان اقتصادی. این مدل، به هر دلیل، به بن بست رسیده است. فراگیری بحران هم از این جاست که وجوه اصلی این مدل همومیت داشته است در حالیکه در کشورهای سوسیالیستی یافتن و اتخاذ تدابیر عملی و فوری برای خروج از بحران مساله نقدی بلاواسطه کمونیست هاست و بحث های تئوریک و مبارزه ایدئولوژیک در مسیر چنین تلاشی است که جاری میشوند. کمونیست های کشورهای سرمایه داری و از جمله ما- به مسائل بحران سوسیالیسم به ناگزیر فقط برخورد نظری دارند. در واقع بحران در این طرف نقدا یک بحران نظری است که اگر حل نشود بحران در عرصه های عملی، یعنی بحران تشکیلاتی و انزوای توده ای- برای احزابی که پایه وسیع دارند- را میتواند ببار آورد. در رویکرد به بحران و در تلاش برای حل آن، تحلیل ها، ارزیابیها نتیجه گیریها و پیشنهادها بسیار متنوع و مختلفی در سراسر جهان ارائه میشوند که در کلیت خود دو راستای کاملاً متمایز و آشکارا متقابل دارند یکی راستای انتخاب سرمایه داری است. دیگری راستای اصلاح سوسیالیستی. اولی براین است که سبلی نقد سرمایه داری به از حلای نسبه سوسیالیسم است. دومی بر آن که مبارزه برای سوسیالیسم را باید جدی تر گرفت و تئوری و پراتیک سوسیالیسم را در مسیر پیگیری این مبارزه باید اصلاح کرد.

امروز همه آنانی که خواهان سوسیالیسم بوده اند با یک سوال بسیار ساده مواجه اند. در برابر مدل

نامه سرگشاده به مردم آلمان

شکست خورده سوسیالیسم چه آلت راتیوی و چه مدل دیگری باید گذاشت. طرفداران انتخاب سرمایه داری و طرفداران اصلاح سوسیالیستی، برای پاسخگوئی این سوال ساده و اساسی، شرایطی بی اندازه متفاوت و نابرابر دارند. آنانی که آلت راتیو سرمایه داری را در برابر مدل به بن بست رسیده سوسیالیسم مینهند، به زحمتی بیش از این نیاز ندارند که انگشتان را دراز کنند و اروپای غربی و ایالات متحده را نشان دهند. آلت راتیو پیشنهادی آنان هم اکنون حی و حاضر است و وجود دارد قابل دیدن و قابل لمس است، موجودیتش دلیل کافی برای امکان پذیر بودنش ارائه میدهد. از جنس فرضیه و تئوری و نقشه نیست. مادیت دارد.

مدل سوسیالیسم شما چیست؟ یا شما برای کدام سوسیالیسم مبارزه میکنید؟ این سوالی است که برخی به طنز و فقط برای کلافه کردن مشتاقان سوسیالیسم برای اطمینان از امکان رهائی از بردگی سرمایه در برابر کمونیست ها میگذارند. آیا کمونیست های نمونه زنده و همین دارند که روی آن انگشت بگذارند ندارند. هر تلاش آنها برای معرفی یک مدل مطلوب در حال حاضر بناچار تلاشی است فکری. بعضاً از پرسترویکی گورباچف بعنوان یک مدل یاد میکنند. این اشتباه است. تعمیری که اتومبیل تصادفی را نمیتوان روشی از اتومبیل سازی به حساب آورد.

نویسنده در ادامه مقاله خود مینویسد که حل بحرانی با این مشخصات تنها در مقیاس بین المللی و با تلاش نظری بر بستر مبارزه عملی برای سوسیالیسم و در ظرف زمان امکان پذیر است و سپس در ادامه مقاله و در رابطه با کنگره این سازمان مینویسد.

ما در مقیاس ایران بحث ها از مسائل استراتژی و تاکتیک به پایه ای ترین مسائل مبارزه طبقاتی و به تعبیر انتخاب میان سوسیالیسم و سرمایه داری کشیده شده است. این واقعیت خود را در دو گرایش جهانی برای حل بحران - که از آنها بنام انتخاب سرمایه داری و اصلاح سوسیالیستی- یاد کردم نشان میدهد.

ما متعلق به کدام گرایشیم؟ انتخاب سرمایه داری یا اصلاح سوسیالیستی؟ جایگاه ما در رابطه با این دو گرایش جهانی در کجاست به نظر من سطح مسائلی که کنگره ما باید به آنها پاسخ دهد به اینجا رسیده است.

.....

من طرفدار آن هستم که در بولتن های مباحثات کنگره هرکس که میخواهد بحران را تجزیه و تحلیل کند و در این یا آن جنبه آن حرفها و نظراتی دارد بی هیچ محدودیتی نظراتش را بنویسد. هر قدر که ذهن ما در مورد مسائل و جواب گوناگون این بحران روشن تر شود بهتر است و هیچ چیز بهتر و مطلوب تر از این نیست که کنگره ما آمادگی موضوعی در قبال تعداد هر چه بیشتری از این موضوعات و توانایی ارائه راه حل برای تعداد هر چه بیشتری از مسایل را داشته باشد. اما آنچه نسبت به این کاوشگریها و اعلام نظرها اولویت اصولی، اهمیت اساسی و تقدم منطقی دارد این است که ذهنمان روشن باشد که این بحث ها را در چه جهتی و با چه هدفی میکنیم. داریم در مسیر مبارزه برای سوسیالیسم برای مشکلات چاره جوئی میکنیم، یا میخواهیم از هابیت و سرانجام بحث ها در بابیم که برای سوسیالیسم باید مبارزه کردیانه؟

همکاریهای منطقه ای هلسینکی نه تنها ذکر گردیده، بلکه تمام کشورهای امضا کننده و از آن جمله کشور و دولت آلمان را مکلف به صیانت و پاسداری از آن حقوق در هر گوشه و کنار دنیا که مورد تجاوز قرار گرفته باشد، کرده و بویژه پناه دادن به کسانی که جانشان مورد خطر قرار گرفته، قویاً تصریح گردیده است.

با این تعریف، دولت آلمان، سازمان ها و احزاب سیاسی و وسایل ارتباط جمعی این کشور میبایستی این شجاعت و ولایت را از سوی ما پذیرند که آنان تا به حال خیلی بیشتر در اندیشه زدوبندهای دیپلماتیک و بستن قراردادهای تجاری چند میلیاردی خود بودند تا پشتیبانی و پایداری از حقوق بشر و حرمت پایمال شده انسانی پناهندگان سیاسی.

ما دور از میهن خود، در غربت، حاشیه نشینان جامعه ای هستیم که اکثر ادر بدترین و ابتدائی ترین شرایط زندگی از نظر مسکن و دیگر احتیاجات روزمره بسر می بریم و با اتخاذ تصمیمات جدید مسئولین حکومت های مرکزی و ایالتی استان های آلمان، یعنی مجبور کردن پناهندگان به زندگی در مسکن های دست جمعی و ارتزاق دسته جمعی، نه تنها از مذهب حرمت شده، بلکه بر فشارهای روحی و جسمی ما دو چندان افزون گردیده است. این تصمیمات و تمهیدات بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد را به سختی خدشه دار کرده است.

جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی و جنبش ۲۱ اردیبهشت ماه زنان ایران طی نامه سرگشاده ای به مردم آلمان خواستار دفاع از حقوق بشر و پناهندگان سیاسی ایرانی گردیدند. در بخشهایی از این نامه آمده است:

پناهندگی سیاسی و همه کسانی که پناهندگی سیاسی شان به رسمیت شناخته شده است میهن عزیز خود را، زادگاه خود را، خویشاوندان و دوستان و همزبان خود را به دلایل اقتصادی و با رضایت خاطر ترک نکرده اند.

والا ترین آرزوی دل گرفته و پر درد ما این است که روزی بتوانیم به میهن خود باز گردیم. در راه تحقق این آرزو به کمک شما احتیاج داریم. این کمک و حمایت از اپوزیسیون و پناهندگان سیاسی که به رضای خاطر میهن خود را ترک نکرده اند می تواند از سوی دولت آلمان، احزاب و شخصیت های مسئول سیاسی آلمان بدین گونه انجام پذیرد که آنان از حمایت های گوناگون خود از رژیم دیکتاتوری به مانند رژیم ملایان در ایران و صدام حسین در عراق دست برداشته، کمتر به دنبال انجام معاملات اقتصادی چندین میلیاردی بوده و بیشتر وظایف انسانی و اخلاقی خود را در قبال ستمدیدگان و محروم شده گان از حقوق انسانی جدی بگیرند.

دفاع از حقوق بشر و حرمت انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در تصویب نامه کنفرانس

فردوسی کیست؟ شاهنامه چیست؟

بقیه از صفحه ۳

خراسان است) که مجموعه های است از روایت و حماسه های ملی که متاسفانه اصل اثر به ما نرسیده و تنها مقدمه اش باقی مانده است. و بعد از آن کوشش ارزشمند "دقیقی طوسی" است که بخشی از کارش را فردوسی تمام مادر شاهنامه خویش نقل کرده است. اما تاکید باید کرد که فردوسی از این مواد گردآوری شده، تنها نسخه برداری ساده نکرده است. او از این منابع اولاً- برمیگزیده و ثانیاً- به خلق هنری میپرداخته است. تاکید می کنم که بویژه بخش حماسی شاهنامه یک بازآفرینی استادانه هنری است که به هیچ روی در اسناد متقدمش نشانه ای از آن رانیز نمی توان یافت.

در مورد تقسیم بندی شاهنامه هم اجمالاً می توان آترابه ۳ بخش، اسطوره ای، حماسی و تاریخی تقسیم کرد که با یادشاهی کیومرث (به مثابه بخش انسان نخستین) شروع می شود و به مرگ یزدگرد دوم پایان می یابد. و بیگانه باید گفت که نقطه اوج کار فردوسی، همانا بخش حماسی شاهنامه است.

دموکر ایتسم شاهنامه

فردوسی خود از طبقه دهقانان ایرانی در آن دوره است. یعنی خرده مالکانی. که آزادند و بنده مزدور زمین نیستند و مالک بخشی از زمین ها هستند و از سوی دیگر به الیگارش اشرانیت حاکم نیز ربطی ندارند. اکثریت و روشنفکران و دانشوران مادر دوره مورد بحث (نظیر بوعلی سینا، رازی، بیرونی، خواجه نصیر و دیگران).

تجماً از میان همین قشر اجتماعی متوسط برخاسته اند. زیرا که امکان تحصیل دانش را داشتند و در عین حال بنابر موقعیت اجتماعی شان مروجین متریق ترین اندیشه های عصر خویش بودند.

به سراسر شاهنامه نیز اگر نگاه کنید و از همان نخستین مصرع که "به نام خداوند جان و خرد" آغاز می شود و تا پایان آن، شما به مفاهیمی مثل خداوند قهار و جبار بر نخواهید خورد، به این لحاظ تمرکز جمعین تشری مذهبی حق دارند که با این تلقی فردوسی موافق نباشند. گفتنی است که وقتی حکیم ابوالقاسم فردوسی وفات می یابد، امام جمعه توس (که آخوندی قشری و مرتجع است) با دفن او در قبرستان مسلمانین جدا مخالفت می کند و می گوید که جای جنازه یک رافضی که مدح مجوسان کرده، در گورستان مسلمانان نیست. در مورد برخورد فردوسی با شاهان و سلطنت هم که پیشتر گفتم و اشاره کردم که او بیش از هر چیز مروج عدل و انصاف و ستی و مخالف ظلم و خفقان بادرک پیشروی روزگار خویش است.

یک زمینه دیگر قابل ذکر در همین مورد نیز دیدگاه بسیار مترقی و آزاد اندیشانه فردوسی با مسئله زن و عشق در شاهنامه است. شما اگر داستان عشق پاک و انسانی زال و رودابه را بخوانید، تخصصی در مناظره بسیار زیبایی تمهینه و سهراب در نخستین دیدارشان بکنید و یا پاکی مثال زدن سیاوش را اگر بیاد آورید، خواهید دید که فردوسی چه اندیشه ترقیخواهانه ای در تمامی این موارد ارائه داده است.

توجه باید کرد که آزاداندیشی و دموکراتیسم فردوسی را باید در چهارچوب شرایط تاریخی مشخص اش ارزیابی نمود و هرگونه ایده آلیزه کردن اثر به گمان من بر خوردی هایمانه و غیر تاریخی با آن است.

جنگال پیرامون سخن شاهر

و اما یک نکته که این روزها مکرر از من سوال می شود، برخورد شاهر بزرگ معاصر ایران یعنی عزیز بزرگوار احمد شاملو با فردوسی و شاهنامه است. خبر این سخنرانی را نخستین بار ایران تایمز به شکلی تحریف شده چاپ کرد و به دنبالش طرفداران خاندان پهلوی نیز جنگالی فریب پیرامون آن به پا کردند. قوفای این اساتید هم (اگر که متن کامل سخنرانی را بخوانید) قابل فهم بود. زیرا که شاملو با آن طنز گزنده اش، شاهان ایران را در مجموع مشتی دینگ و مشنگ خوانده و همین هم سخت به تریش قبی اساتید برخورد کرده و ولی واقعیت آن است که پیام اصلی شاملو در آن سخنرانی به جوانها این بوده که اسیر "تابو" و "اصول مقدس" نباشید و اینجا که اسباب تحقق و تخصص علمی فراهم است و در این دوره ای که تمامی جامعه ایران در حال بازنگری خویش و تاریخ خود است، شما نیز با بلند نظری و بدور از هر تنگ

نظری و پیشداوری کار علمی بکنید و به عنوان مثال از شاهنامه و ضحاک و کاوه هم سخن گفته بود. ایراد مسئله به گمان من آنجاست که شاملو دو امر کاپلا مجزا (یعنی اساطیر و حماسه را با تاریخ) مخلوط کرده است. تا آنجا که به یک بحث علمی مربوط می شود فضلالی مثل دکتر باطنی و دیگران در ایران با آرامش و متانت یک مناظره تحقیقی پاسخ گفتند و هیچ جنگالی هم نشد. پس جنگال مورد بحث یک شاهنامه سیاسی بود از سوی دوستداران خاندان پهلوی که هیچ بوئی هم از مناظره علمی از آن به مشام نمی رسید. و این در حالی است که اساتید، مدعی دموکراتیسم و پذیرش پلورالیسم و تنوع عقاید هم شده اند.

با این ترتیب من با داوری شاملو موافق نیستم و معتقدم که پیش از او دیاکونف هم که اساطیر و تاریخ با شاهنامه را یکی گرفته، بر خطا بوده است، لکن هر یک از ما مجازیم که نقطه نظر خودمان را بگوئیم و اساساً در تنوع آراء است که اندیشه علمی می شکند و صدا بته اگر مرتکب خطائی هم بشویم، تاریخ حتماً گوش ما را خواهد کشید.

کلام آخر

در آخرین روزهای خرداد ۵۹ که قرار بود پس از "ضد انقلاب فرهنگی"، دانشگاهها را ببندند، با دوستان دانشگاهی مان قرار گذاشتیم که یک دوره نشرده شاهنامه را در کلاسهای دانشکده ادبیات تدریس کنیم، زیرا که رساندن پیام فردوسی به نسل جوان را در آن لحظه، وظیفه ای مبرم می دانستیم. در آخرین جلسه که طبق روال باید پرسش و پاسخ پیرامون جلسات سخنرانی و مواد درسی باشد، بچه ها توافق کردند که سوالی در بین نباشد تا من اگر نکته ای نگفته دارم، برایشان بازگو کنم. و من در آن روزگار به این می اندیشیدم که برخلاف معمول کار فردوسی، از سرنوشت نهائی ۳ تن در این اثر و از مرگ آنها سخن نرفته است. این ۳ تن زال، رودابه (یعنی پرورندگان رستم) و سیمرغ یعنی حامی اساطیری او و پدرش، هستند. و باز اگر به یادتان باشد سیمرغ ۳ پر خویش را به زال داده بود که در سراسر داستان فقط ۲ تای آنها می سوزد و سومی باقی می ماند و در آن روزگار نوشتم:

در شاهنامه گفته بودمتان -

هر که زاده می میرد.

یعنی که مرگ نقطه پایان کارنامه هر شعریار و هر بنده ست.

چون سرگذشت رستم و اسفندیار -

اما ز مرگ و میر ۳ تن، شاهنامه هیچ نگفته ست:

رودابه، زال و سیمرغ

سیمرغ زنده است، رودابه زنده است و همان زال زنده است!

هم نیز و اسپین پر سیمرغ همچنان،

در دست زال!

از پنجره به شامگاه دماوند دیده دوخته ام.

بر روی یال های دماوند، شعله شفق فتاده است.

گوئی که زال آتشی افر وخته است.

تا واپسین پری که ز سیمرغ مانده است، بسوزاند!

آیا نشان زادروز دگر باره رستمی است؟

سوی کلاس می نگرم.

لحظه ای

در چشم های روشن شاگردان،

یک آسمان ستاره دمیده است!

تهران پنجم خرداد ۵۹

دانشگاه ملی ایران

آلمان: نخستین انتخابات پس از وحدت

روز یکشنبه دوم دسامبر (۱۱ آذر)، نخستین انتخابات پارلمان آلمان فدرال پس از وحدت آلمان غربی و شرقی برگزار شد. نتیجه این انتخابات، سرنوشت دولت فدرال آلمان را نیز برای مدت چهار سال معلوم میکند. در لحظه تنظیم این خبر، گزاشی از نتایج انتخابات نرسیده بود، اما پیش از انتخابات، ناظران تقریباً تردیدی در مورد پیروزی مجدد ائتلاف دست راستی حاکم در بن نداشتند. با اینکه بعید به نظر می رسد محافظه کاران به رهبری هلموت کول بتوانند به اکثریت مطلق آرا و کرسی های مجلس دست یابند، اما کماکان خواهند توانست با کمک لیبرالها که سرشناس ترین چهره آنها گنشر

وزیر خارجه است، دولت را تشکیل دهند. حزب سوسیال دمکرات آلمان، رقیب اصلی محافظه کاران، این بار با اسکار لافونتن به عنوان نامزد صدارت هملی به کارزار انتخاباتی رفت. لافونتن نخست وزیر ایالت ساردر جنوب غربی آلمان است به قیران سوسیال دمکرات ها، به احتمال قریب به یقین دو فراکسیون دیگر اپوزیسیون در پارلمان آینده آلمان حضور خواهند داشت: فراکسیون مشترک سبزها و "جنبش های مردمی" آلمان شرقی و فراکسیون حزب سوسیال دمکراتیک که از حزب حاکم پیشین آلمان شرقی فرا روییده است.

نتیجه غیر منتظره انتخابات لهستان

زمینه برای امثال تیمینسکی شده است. مازویتسکی که تاکنون نخست وزیر لهستان بود، پس از اعلام نتایج انتخابات از سمت خود استعفا کرد. استعفا مازویتسکی مورد انتقاد ولسا قرار گرفت که این استعفا نشان دهنده بی اعتنائی به دمکراسی دانست. کمیته انتخاباتی مازویتسکی از مردم لهستان خواست در دور دوم رای گیری، ولسا را انتخاب کنند تا کشور را از یک "ترادژی" نجات دهند.

آدام میشنیک، سردبیر نشریه گارتا ویبورژا و از طرفداران مازویتسکی، طی مقاله ای به شکست پلتفرم مازویتسکی و هوادارانش اعتراف کرد و نوشت: "ما نتوانستیم روحیات مردم را احساس کنیم" میشنیک، مسئولیت وضع پدید آمده را بر عهده ولسا دانسته است که به عقیده میشنیک با وعده های پوچ و اتهامات هوامفریانه به دیگران، باعث متلاشی شدن جبهه طرفداران اتحادیه همبستگی شده است.

بحران در بلغارستان

هفته گذشته یک اعتصاب سراسری برگزار کرد. به گفته وزیر کشور بلغارستان، کمتر از یک درصد کارکنان موسسات کشور در این اعتصاب شرکت کردند. اتحادیه سندیکاهای مستقل، که بزرگترین اتحادیه سندیکایی بلغارستان است، از این اعتصاب حمایت نکرد.

حزب سوسیالیست بلغارستان در انتخابات تابستان گذشته اکثریت مطلق آرا را به دست آورد. اپوزیسیون دو هفته پیش نتوانست برای رای هدم اعتقاد به دولت در پارلمان، آرای کافی کسب کند.

اعتصاب در راه آهن آلمان

کارکنان راه آهن شرق آلمان در اعتراض به طرح های مدیریت راه آهن برای اخراج ده ها هزار نفر از این کارکنان، هفته گذشته دست به یک اعتصاب سراسری زدند. این اعتصاب، رفت و آمد قطارها در قلمرو سابق آلمان شرقی را متوقف کرد. خواست های اعتصابیون بطور همه متوجه ارائه تضمین از سوی مدیریت راه آهن برای هدم اجرای طرح های اخراج دسته

نخستین راه آهن شرق آلمان در اعتراض به طرح های مدیریت راه آهن برای اخراج ده ها هزار نفر از این کارکنان، هفته گذشته دست به یک اعتصاب سراسری زدند. این اعتصاب، رفت و آمد قطارها در قلمرو سابق آلمان شرقی را متوقف کرد. خواست های اعتصابیون بطور همه متوجه ارائه تضمین از سوی مدیریت راه آهن برای هدم اجرای طرح های اخراج دسته

تظاهرات پیاپی ضد دولتی در بلغارستان، دولت این کشور را در آستانه کناره گیری قرار داد. این تظاهرات علیه کابینه آندره لوکانف نخست وزیر از حزب سوسیالیست (حزب کمونیست پیشین) صورت گرفت. بدنبال مذاکرات نمایندگان همه احزاب سیاسی با شلیو شلف رئیس جمهور بلغارستان، سخنگوی رئیس جمهور اعلام کرد که همه احزاب موافق استعفای دولت و تشکیل یک دولت جدیدند. پنجشنبه هفته گذشته، نخست وزیر بلغارستان استعفا کرد.

اتحادیه سندیکایی پودکرپکا که مخالف دولت لوکانف است، تظاهرات پیاپی ضد دولتی در بلغارستان، دولت این کشور را در آستانه کناره گیری قرار داد. این تظاهرات علیه کابینه آندره لوکانف نخست وزیر از حزب سوسیالیست (حزب کمونیست پیشین) صورت گرفت. بدنبال مذاکرات نمایندگان همه احزاب سیاسی با شلیو شلف رئیس جمهور بلغارستان، سخنگوی رئیس جمهور اعلام کرد که همه احزاب موافق استعفای دولت و تشکیل یک دولت جدیدند. پنجشنبه هفته گذشته، نخست وزیر بلغارستان استعفا کرد.

اتحادیه سندیکایی پودکرپکا که مخالف دولت لوکانف است، تظاهرات پیاپی ضد دولتی در بلغارستان، دولت این کشور را در آستانه کناره گیری قرار داد. این تظاهرات علیه کابینه آندره لوکانف نخست وزیر از حزب سوسیالیست (حزب کمونیست پیشین) صورت گرفت. بدنبال مذاکرات نمایندگان همه احزاب سیاسی با شلیو شلف رئیس جمهور بلغارستان، سخنگوی رئیس جمهور اعلام کرد که همه احزاب موافق استعفای دولت و تشکیل یک دولت جدیدند. پنجشنبه هفته گذشته، نخست وزیر بلغارستان استعفا کرد.

یلتسین خواهان "اتش بس" با گار باچف شد

باریس یلتسین رئیس پارلمان جمهوری روسیه خواهان پایان دادن به رویارویی با میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی شد. یلتسین در جلسه افتتاحیه نشست فوق العاده کنفره نمایندگان خلق جمهوری روسیه در حضور گارباچف حاضر نشان کرد مهمترین وظیفه رهبری سیاسی کشور مقابله با "خطر گرسنگی" و تامین مواد غذایی برای مردم است، و از این رو اختلافات سیاسی باید تحت الشعاع این امر قرار گیرد. یلتسین افزود اختلاف اکنون حکم یک تامل را دارد که سیاستمداران مجاز به تسلیم به وسوسه آن نیستند. رئیس پارلمان روسیه گفت: "وقتی قفسه های فروشگاه ها خالی و برای مواد غذایی وجود داشته باشد، نمی توان از دمکراسی واقعی و آزادی واقعی سخن گفت." یلتسین که خود تا

چند روز پیش گارباچف را به خاطر پیشنهاد های رئیس جمهور شوروی برای افزایش اختیارات رئیس جمهور مورد انتقاد قرار داده بود، اظهار داشت: "در روسیه به تجربه ثابت شده است که درگیری سیاسی، آینده ای ندارد و به بهای گزافی تمام می شود. سخنرانی یلتسین با کف زندهای مکرر نمایندگان که تعداد آنها حدودا ۸۰۰ نفر بود، همراه شد. رئیس پارلمان روسیه گفت دستور کار اصلی نشست، این است که "تقدیه مردم چگونه و با چه چیز انجام گیرد."

یلتسین در ادامه اظهاراتش خواهان دگرگونی بنیادین سیاست کشاورزی شوروی شد و گفت بحران مواد غذایی، تنها از این طریق می تواند تحت کنترل قرار گیرد. او افزود: "ما اکنون

چکسلواکی: موفقیت کمونیست ها در انتخابات بشی داری ها روز ۲۵ نوامبر انتخابات شهر داری های چکسلواکی برگزار شد. در این انتخابات، حزب کمونیست چکسلواکی توانست به میزان قابل توجهی بر درصد آرای که در انتخابات پارلمانی ژوئن به دست آورده بود، بیافزاید. سخنگوی واسلا هاول، رئیس جمهور چکسلواکی پس از این انتخابات گفت: "من پنهان نمی کنم که درصد آرای کمونیست ها برای ما یک امر نامطلوب غیر منتظره بود." وی افزود شمار کل آرای کمونیست ها افزایش زیادی نشان نمی دهد اما با توجه به کاهش درصد مردم در انتخابات باعث افزایش سهم کمونیست ها شده است. سخنگوی واسلا هاول، هلت موفقیت کمونیست ها را "شبکه سازمان های محلی حزب کمونیست" دانست و چنین نتیجه گرفت که "باید فکری به حال پول

چکسلواکی: موفقیت کمونیست ها در انتخابات بشی داری ها

روز ۲۵ نوامبر انتخابات شهر داری های چکسلواکی برگزار شد. در این انتخابات، حزب کمونیست چکسلواکی توانست به میزان قابل توجهی بر درصد آرای که در انتخابات پارلمانی ژوئن به دست آورده بود، بیافزاید. سخنگوی واسلا هاول، رئیس جمهور چکسلواکی پس از این انتخابات گفت: "من پنهان نمی کنم که درصد آرای کمونیست ها برای ما یک امر نامطلوب غیر منتظره بود." وی افزود شمار کل آرای کمونیست ها افزایش زیادی نشان نمی دهد اما با توجه به کاهش درصد مردم در انتخابات باعث افزایش سهم کمونیست ها شده است. سخنگوی واسلا هاول، هلت موفقیت کمونیست ها را "شبکه سازمان های محلی حزب کمونیست" دانست و چنین نتیجه گرفت که "باید فکری به حال پول

روز ۲۵ نوامبر انتخابات شهر داری های چکسلواکی برگزار شد. در این انتخابات، حزب کمونیست چکسلواکی توانست به میزان قابل توجهی بر درصد آرای که در انتخابات پارلمانی ژوئن به دست آورده بود، بیافزاید. سخنگوی واسلا هاول، رئیس جمهور چکسلواکی پس از این انتخابات گفت: "من پنهان نمی کنم که درصد آرای کمونیست ها برای ما یک امر نامطلوب غیر منتظره بود." وی افزود شمار کل آرای کمونیست ها افزایش زیادی نشان نمی دهد اما با توجه به کاهش درصد مردم در انتخابات باعث افزایش سهم کمونیست ها شده است. سخنگوی واسلا هاول، هلت موفقیت کمونیست ها را "شبکه سازمان های محلی حزب کمونیست" دانست و چنین نتیجه گرفت که "باید فکری به حال پول

اژانس بین المللی انرژی اتمی:

عراق بمب اتمی نمی سازد

مقایسه با کنترل قبلی در ماه آوریل سال جاری تغییری در موارد تحقیق مشاهده نشد. یکی از دلایلی که جرج بوش رئیس جمهور آمریکا برای تسریع در حمله نظامی به عراق عنوان کرده، این است که هر چه زمان بگذرد، امکان دستیابی عراق به سلاح اتمی بیشتر می شود.

اژانس بین المللی انرژی اتمی در بازرسی تاسیسات اتمی عراق، نشانه هایی حاکی از اینکه مواد رادیو اکتیو از این تاسیسات برای ساختن سلاح های اتمی مورد استفاده قرار گیرد، نیافته است. طبق بیانیه این سازمان بین المللی که روز ششم آذر در وین منتشر شد، در جریان تحقیقاتی که دو هفته پیش در عراق به عمل آمد، در

جان میجر جانشین تاجر شد

هفته گذشته بدنال استعفا مارگارت تاجر از مقام نخست وزیری و رهبر حزب محافظه کار بریتانیا، فراکسیون این حزب در مجلس عوام این کشور برای بار دوم ظرف هشت روز جهت گزینش رهبر حزب که طبق سنت، عهده دار مقام نخست وزیر نیز می شود، رای گیری کرد. در این رای گیری، سه نفر نامزد جانشینی تاجر بودند: جان میجر وزیر دارایی و داگلاس هرد وزیر خارجه کابینه تاجر و نیز مایکل هزل تاین وزیر دفاع پیشین که با کاندیداتوری خود علیه تاجر باعث کناره گیری وی شد. میجر به ۱۸۵، هزل تاین به ۱۳۱ و داگلاس هرد به ۵۸ رای دست یافتند. با اینکه طبق این نتیجه، می بایست برای انتخاب نخست وزیر جدید یک بار دیگر رای گیری به عمل می آمد، هزل تاین و هرد بنفع جان میجر ۴۷ ساله کاندیداتوری خود را پس گرفتند. بدین ترتیب همزمان با ترک مقر نخست وزیر در خانه شماره ۱۰ داونینگ ستریت لندن از سوی مارگارت تاجر، ملکه الیزابت میجر را به عنوان رئیس دولت جدید منصوب کرد.

جان میجر از سیاستمداران نسل جدید حزب محافظه کار است که در سال های هشتاد، یعنی دوره

هدف حمله، پایگاه های گروه تحت رهبری ابونضال و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین به رهبری نایف حواتمه بود.

روز سه شنبه ششم آذر، اسرائیل برای شانزدهمین بار در سال جاری میلادی مناطقی از لبنان را هدف حمله هوایی قرار داد.

در این حمله، مواضع گروه های فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب بیروت بمباران شدند. این بمباران به کشته شدن شش تن و مجروح شدن هشت نفر منجر شد.

صبح همین روز طی یک نبرد دو ساعته میان سربازان اسرائیلی و چریک های جبهه خلق برای آزادی فلسطین به رهبری جرج حبش، پنج اسرائیلی و دو فلسطینی کشته شده بودند.

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با مادل بهای اشتراك، تمربستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	۱۱ مارک	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "کار"	یک ساله	۲۱	۲۱	۲۴

بهای اشتراك	شش ماهه	۳۲ مارک	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "اکثریت"	یک ساله	۶۲	۶۲	۷۶

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور	AKSARIYAT NO. 329 MONDAY 2 DEC, 1990
حساب بانکی: M.ABD کد بانک: RR- 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY	آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN GERMANY